



جرم شرکتی در آیینۀ ادبیات کارگری: تحلیل گفتمان رمان زنی با کفش‌های مردانه

حمیدرضا دانش ناری^۱، ابوالفضل شرافتی^۲

چکیده

ادبیات کارگری به توصیف، بررسی و بازتاب مشکلات و شرایط سخت زندگی کارگران می‌پردازد. روایت‌های کارگری، صدای عدالت‌طلبی و استثمارستیزی کارگرانی است که بزه‌دیده نظام سرمایه‌داری واقع می‌شوند. ادبیات کارگری و جرم‌شناسی انتقادی با نقد نظام سرمایه‌داری و توجه به کارگران به مثابۀ گروه‌های آسیب‌پذیر در جامعه، ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند. رمان *زنی با کفش‌های مردانه*، یکی از آثار مهم ادبیات کارگری در ایران به حساب می‌آید که چالش‌های زندگی کارگران در محیط کار را نمایان می‌کند. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، تلاش می‌کند تا به خوانشی عمیق‌تر از روایت‌های کارگری دست یابد و با تمرکز بر جرایم شرکتی علیه کارگران، نابرابری‌های اجتماعی را به تصویر کشد. همچنین، با بررسی گفتمان «کارگران/ قشر فرودست» و گفتمان «مدیران/ قشر فرادست»، چگونگی هژمونی گفتمان مدیران، ارزیابی و نقش عوامل مهم در نادیده گرفتن حقوق انسانی کارگران تحلیل می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌های تجاری برای کسب سود، ممکن است به هر روشی متوسل شوند. در چنین فضایی، کارگران مورد استثمار و خشونت شرکتی قرار می‌گیرند و حقوق انسانی آن‌ها نقض می‌شود. رمان *زنی با کفش‌های مردانه*، نشان می‌دهد که چگونه جرایم شرکتی و رفتارهای آسیب‌زای سرمایه‌داران، مورد چشم‌پوشی قرار می‌گیرد و کارگران، بزه‌دیده نابرابری‌های ساختاری واقع می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: جرم شرکتی، جرم‌شناسی ادبی، فرهنگ سازمانی، رمان زنی با کفش‌های مردانه، جرایم قدرتمندان

۱. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
daneshnari@um.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
abolfazl.sherafati@mail.um.ac.ir



مقدمه

ادبیات آیینۀ تمام‌نمای هر جامعه‌ای است و از این‌رو، آثار ادبی، منابعی ارزشمند برای شناخت آسیب‌های موجود در بطن جامعه هستند. ادبیات داستانی همواره واقعیت‌های گوناگون اجتماعی را به تصویر کشیده و به انتقاد از آن‌ها پرداخته است. امیل زولا^۱ نخستین‌بار، پای طبقۀ کارگر به‌عنوان قهرمان داستان را به رمان گشود و نقش این طبقۀ اجتماعی را در ادبیات داستانی پررنگ کرد (بهرامی و بلیغی ۱۴۰۰: ۹۶). روایت کارگری در ادبیات که با عنوان ادبیات کارگری از آن یاد می‌شود، بازتابی از مشکلات و رنجی است که کارگران متحمل آن می‌شوند. رسالت اجتماعی و سیاسی ادبیات کارگری، عدالت‌خواهی برای طبقه کارگر و انتقاد از مشکلات ساختاری و نابرابری‌های اقتصادی است که کارگران با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. ادبیات کارگری بر حقوق انسانی کارگران تأکید دارد و مناسبات قدرت و استثمار کارگران را نقد می‌کند. آثاری که در قلمرو ادبیات کارگری جای می‌گیرند، تصویری عریان از نظام سرمایه‌داری و صدمات آن را به نمایش می‌گذارند. در داستان‌های کارگری شرایط و نوع زندگی، مبارزات و ستم علیه کارگران مورد توجه نویسندگان قرار می‌گیرد (فارسیان و عزیزاده ۱۳۹۸: ۱۱۴). از این حیث، روایت‌های ادبیات کارگری بستری مناسب برای تحلیل‌های جرم‌شناسانه فراهم آورده است.

ادبیات تطبیقی درواقع، تعامل میان ادبیات و دیگری است؛ حال این دیگری ممکن است ادبیات کشور دیگر یا علوم و هنر دیگری باشد (انوشیروانی ۱۴۰۲: ص). «جرم‌شناسی ادبی»^۲ به‌عنوان یک جنبش بینارشته‌ای، یکی از شاخه‌های نوین جرم‌شناسی است که به بررسی و تحلیل جرایم و انحرافات در متون ادبی می‌پردازد. جرم‌شناسی ادبی به روابط بین ادبیات و جرم‌شناسی توجه می‌کند و چگونگی تصویرسازی آثار ادبی از جرایم و مجازات‌ها را مورد کنکاش قرار می‌دهد (Wilson 2021: 5). جرم‌شناسی انتقادی نیز وضعیت آسیب‌پذیر کارگران در برابر گروه‌های قدرت را بررسی و کارگران را قربانیان مناسبات قدرت و ساختارهای تبعیض‌آمیز قلمداد می‌کند. همچنین، جرم‌شناسی انتقادی به تحلیل چرخه بهره‌کشی از کارگران و سوءاستفاده نظام سرمایه‌داری از طبقه کارگر می‌پردازد.

در نظام سرمایه‌داری، کارگر نه به‌عنوان یک انسان، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تولید در نظر گرفته می‌شود. این نوع نگاه، کارگران را در خطر دائم تهدیدات نظام سرمایه‌داری قرار می‌دهد؛ از این‌رو، دولت‌ها به ظاهر برای حمایت از این قشر، دست به تصویب قوانینی می‌زنند که حقوق کارگران را تأمین کند؛ اما روابط

1. Emile Zola
2. Literary Criminology

نزدیک نظام سرمایه‌داری با دولت، موجب نقض حقوق کارگران می‌شود. در این بستر، قوانین حمایتی در عمل، تحت تأثیر نفوذ سرمایه‌داران تضعیف می‌شود و سیستم عدالت کیفری نیز در حمایت از سرمایه‌داران، به این تبعیض ساختاری دامن می‌زند.

اولین تحقیقات جرم‌شناسان در مکتب جرم‌شناسی تحقیقی، فقر اقتصادی، فرهنگی یا اختلالات زیستی - روانی را به‌عنوان عامل اصلی ارتکاب جرم معرفی می‌کرد. به عقیده آن‌ها، بزه‌کاران با انسان‌های مطیع قانون تفاوت دارند و فقر مؤلفه اصلی ارتکاب جرم است؛ در نتیجه، افراد دارا و صاحب قدرت مرتکب جرم نمی‌شوند و درحقیقت، ثروتمندان، قربانیان اصلی بزه‌کاران هستند (نجفی ابرندآبادی ۱۳۹۱: ۱۱). به تدریج دیدگاه‌های جرم‌شناسی توسعه یافت و تحولات اساسی در نظریات جرم‌شناسی به وجود آمد. یکی از مهم‌ترین مسائل جدید که در پرتو ظهور جرم‌شناسی انتقادی، شکل گرفت، تمرکز بر جرایم شرکتی است (دانش ناری ۱۳۹۷: ۳۴).

جرم شرکتی یکی از انواع گونه‌های جرایم یقه‌سفیدان^۱ است که ادوین ساترلند^۲ در پژوهش‌های خود به آن اشاره کرده است. ساترلند در کتاب جرم یقه‌سفیدها، رفتارهای مجرمانه طبقه فرادست و جرایم سازمانی را مورد توجه قرار می‌دهد (۱۹۴۹: ۲۱۵). ساترلند قسمت اصلی این کتاب را به شکل خاصی از جرایم یقه‌سفیدان که توسط شرکت‌ها ارتکاب می‌یابد، اختصاص داده است.

با وجود پژوهش پیشگامانه ساترلند در دهه ۱۹۴۰ میلادی، همچنان جرایم یقه‌سفیدان در این دوران مغفول ماند. جریان غالب جرم‌شناسی در این دوره، با تمرکز بر جرایم خیابانی و خشونت‌بار، به دنبال علت‌شناسی بزه بود. از این جهت، علاقه‌ای به بررسی و پژوهش در ابعاد پنهان بزهکاری وجود نداشت. ساترلند درصدد بود تا خلأ نظام عدالت کیفری در مواجهه با جرایم شرکتی را نمایان کند؛ اما رویکرد غالب جرم‌شناسی، نظرات او را برنمی‌تابید. به همین دلیل پژوهش ساترلند با شکست مواجه شد (سیمپسون و ویزبرد ۱۳۹۵: ۱۰). با پیدایش جرم‌شناسی انتقادی در دهه ۱۹۷۰ میلادی، مفهوم جرم شرکتی به‌عنوان پدیده‌ای بدیع، مورد استقبال جرم‌شناسان واقع شد. در این دوره، رفتارهای غیرقانونی گروه‌های قدرت و ثروت که صاحبان کارخانه‌های بزرگ بودند، مطرح و بعد از سه دهه پژوهش ساترلند مجدداً احیا شد (سیمپسون ۱۳۹۵: ۲۰).

درخصوص تعریف مفهوم جرایم شرکتی، همانند تعریف جرایم یقه‌سفیدی، تعریف مورد توافقی وجود ندارد. گروهی معتقدند که جرایم شرکتی، همان اعمال

مجرمانه مدیران شرکت‌هاست و درواقع جرایم شرکت‌ها را معادل جرایم مدیران در نظر گرفته‌اند (گسن ۱۳۹۲: ۱۳۶)؛ اما گروه دیگر، جرایم شرکت‌ها را مستقل از جرایم مدیران می‌دانند و معتقدند که اشخاص حقوقی به‌عنوان یک پدیده واقعی و مستقل، باید در قبال نقض قوانین و هنجارها پاسخگو باشند (صادق‌نژاد نائینی ۱۳۹۶: ۲۰۳). در یک تعریف ساده، جرم شرکتی رفتار نامناسب شرکت یا کنش‌گران آن است که با ضمانت‌اجراهای قانونی همراه است (Braithwaite 1984: 6). هدف جرایم شرکتی کسب منفعت شخصی نیست؛ بلکه این جرایم در جهت اهداف و برنامه‌های شرکت ارتکاب می‌یابند (سیمپسون: ۳۱).

جرایم شرکتی به‌علت عدم قابلیت رؤیت، قربانیان فراوان، عواقب مخرب سیاسی و اقتصادی و ارتباط با جرایم دولتی مورد توجه جرم‌شناسی انتقادی قرار گرفته است. با توجه به وجه تمایز جرایم شرکت‌ها از سایر جرایم، نظام عدالت کیفری برای مقابله با این جرایم با نواقص و کمبودهای جدی روبه‌رو است. جرم‌شناسان انتقادی بر خلأهای موجود در جرم‌انگاری، چالش‌های مسئولیت کیفری شرکت‌ها و عدم کارایی ضمانت‌اجرای کیفری در حوزه جرایم شرکتی تأکید دارند (دانش ناری و عباسی مرویان ۱۴۰۲: ۵).

رشد تولید و توسعه فعالیت‌های اقتصادی در هر کشوری، اگرچه اشتغال‌زایی و پیشرفت را به همراه دارد، درمقابل، آثار منفی نیز به بار می‌آورد. در ذهن سرمایه‌دارانی که تنها به افزایش تولید و کسب سود بیشتر می‌اندیشند، کارگران نقش چندانی ندارند. از این رو، ممکن است حقوق انسانی کارگران در محیط کار نادیده گرفته شده و مورد استثمار قرار گیرند. در این پژوهش تمرکز بر رفتارهای مجرمانه شرکت‌ها علیه کارگران به‌عنوان یکی از جرایم شرکت‌های تجاری است. این جرایم مربوط به استخدام، محیط کار، امنیت شغلی، خشونت در محیط کار و نقض حقوق کارگران می‌شود. از آنجاکه این جرایم در بسترهای شغلی و سازمانی رخ می‌دهد، کشف آن‌ها بسیار دشوار است.

در رویکرد انتقادی، شدیدترین جرایم که همان استثمار نظام‌مند کارگران است، به نام سرمایه‌داری توجیه می‌شوند. انگلس معتقد است که مالکیت خصوصی سرمایه، موجب ایراد صدمات اجتماعی در سطح گسترده می‌شود و «جرایم سرمایه» را به همراه خواهد داشت. وی در کتاب *شرایط طبقه کارگر در انگلستان*^۱، صاحبان سرمایه را به‌عنوان مجرمان واقعی قتل عمد معرفی می‌کند؛ زیرا آن‌ها از مرگ کارگران به‌دلیل شرایط نامناسب محیط کارخانه‌ها و معادن آگاه هستند و اقدامی به

1. Crimes of Capital
2. The Condition of the Working Class in England

عمل نمی‌آورند (Michallowski 1995: 314). جرم‌شناسان منتقد با تمرکز بر جلوه‌های پنهانی پدیده‌های بزهکارانه از جمله جرایم شرکتي و جرایم دولتي، راه کنترل جرم را تنها در اصلاح ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کاوش می‌کنند (رایجیان اصلی و دانش ناری ۱۴۰۲: ۱۰).

در نظام سرمایه‌داری، طبقه فرودست آماج جرم‌انگاری قرار دارد و رفتارهای آسیب‌زای گروه‌های قدرت و ثروت کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. جرم‌شناسان انتقادی برخلاف جرم‌شناسان جریان غالب (که بر عوامل فردی و اجتماعی تأکید داشتند)، در تحلیل جرایم، بر ساختارها و نابرابری در توزیع قدرت و ثروت تمرکز دارند. از این جهت، جرم‌شناسی انتقادی قابلیت تبیین و شناخت جرایم شرکتهای علیه کارگران و چالش‌های آن را میسر می‌کند.

با توجه به پیوند میان جرم‌شناسی انتقادی و ادبیات کارگري، این پژوهش درصدد است تا رمان زني با کفش‌های مردانه اثر محمدعلی گودینی را در بستر تحلیل جرایم شرکتي بررسی کند. محمدعلی گودینی استاد ادبیات داستانی در حوزه کارگري است. در سال‌های اخیر، کمتر به موضوع کارگران و روستاییان پرداخته شده و داستان‌ها، آپارتمانی و تکراری شده است. محمدعلی گودینی با یک نگاه متفاوت، به حوزه ادبیات کارگري، در چند اثر خود، از جمله سايه اژدها، یکشنبه‌های اول و زني با کفش‌های مردانه، به آسیب‌های موجود در حوزه کارگري پرداخته است. می‌توان گفت گودینی، نماد ادبیات کارگري در ایران است. وی در محیط کارگري رشد کرده و از تجارب واقعی خود در آثارش استفاده می‌کند. رمان زني با کفش‌های مردانه، یک اثر اجتماعی است که به مسئله کارگران می‌پردازد. داستان در فضای کارگري روایت می‌شود و کارگران نقطه مرکزی این رمان به حساب می‌آیند. کارگران به عنوان قشر فرودست و آسیب‌پذیر در تقابل با سرمایه‌داران قرار دارند؛ اما در نظام سرمایه‌داری مجالی برای مطرح‌شدن مشکلات کارگران وجود ندارد. رمان زني با کفش‌های مردانه، اثری ارزشمند در حوزه ادبیات کارگري است و می‌کوشد بازتابی از معضلات کارگران را باشد.

پیشینه پژوهش

مطالعات جرم‌شناسی و ادبیات، سابقه طولانی ندارند. در این زمینه اخیراً پژوهش‌هایی صورت گرفته است. فارسیان و علیزاده (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی تطبیقی ادبیات کارگري از خلال رمان ژرمینال اثر زولا و سال‌های ابری اثر درویشیان» به بررسی و نقد وضعیت زندگی کارگران، بی‌توجهی نظام سرمایه‌داری به کارگران، عدم امنیت شغلی و اعتراضات کارگري می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که

نظام سرمایه‌داری خالق طبقه کارگر است. طبقه کارگر با نابرابری‌های اجتماعی بسیاری مواجه است و این نابرابری‌ها تا جایی پیش می‌رود که کارگران از حقوق انسانی محروم می‌شوند. افشار و محسنی (۱۳۹۸) در مقاله «خوانش جرم‌شناسانه آثار سعدی در حوزه کجروی کودک و نوجوان» نقش وراثت در ارتکاب جرم، همنشینی افتراقی، برچسب‌زنی و راه‌های پیشگیری از جرایم اطفال و نوجوانان در آثار سعدی را تحلیل کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که جرم‌شناسی می‌تواند از حوزه ادبیات و ظرفیت‌های آن برای رسیدن به مقاصد خود بهره گیرد و موجب بومی‌سازی راهکارهای تربیتی شود. در مقاله «گفتمان سیاست جنایی و جرم‌شناسی در آخرین روز یک محکوم» از رستمی و جعفریان (۱۳۹۷)، تسامح صفر، طرد بزهکار توسط جامعه، اجرای علنی اعدام، برچسب‌زنی و بزه‌دیده‌شناسی واکاوی شده است. پژوهشگران به این نتیجه دست می‌یابند که مفاهیم داستان با یافته‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی در عصر مدرن هم‌سو است. رضوی و دیگران (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل محتوای رمان همسایه‌ها در حوزه بزهکاری کودک در پرتو یافته‌های جرم‌شناسی» به ارزیابی اندیشه‌های جرم‌شناسی بالینی، معاشرت ترجیحی و برچسب‌زنی در این رمان می‌پردازند. نویسندگان به این نتیجه دست یافته‌اند که همنشینی با دوستان ناهل، برچسب‌زنی به آن‌ها و عدم تعهد به خانواده، نقشی اساسی در ورود کودکان به دنیای بزهکاری ایفا می‌کند.

پرسش اصلی این پژوهش این است که ادبیات کارگری به‌عنوان بازتاب‌دهنده شرایط کارگری و نظام طبقاتی، چه ارتباطی با جرم‌شناسی انتقادی دارد؟ در رمان «زنی با کفش‌های مردانه»، کارگران چگونه قربانی نظام سرمایه‌داری می‌شوند؟ با توجه به نابرابری‌های موجود میان کارگر و سرمایه‌دار و اهمیت موضوع، این پژوهش درصدد آن است تا ابعاد مختلف جرایم شرکت‌ها علیه کارگران را در رمان زنی با کفش‌های مردانه تحلیل و بازتاب اندیشه‌های جرم‌شناسی را در این رمان شناسایی کند. هدف از نگارش این مقاله، بررسی رابطه میان ادبیات، به‌ویژه ادبیات کارگری با جرم‌شناسی و تحلیل بازنمایی جرم در ادبیات است که این امر می‌تواند منجر به گسترش و توسعه قلمرو مطالعاتی جرم‌شناسی و ادبیات شود. بر این اساس، در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل گفتمان ارنستو لاکلا^۱ و شتال موفه^۲، نظریات جرم‌شناسی انتقادی در رمان بررسی و تحلیل می‌شود. این روش، ابزاری مناسب برای تحلیل ساختاری متن یا رویدادهای گفتمانی در حوزه علوم سیاسی و اجتماعی است. تمایز این نظریه با سایر نظریات گفتمانی، در تعمیم‌دادن گفتمان از قلمرو فرهنگ و

1. Ernesto Laclau.

2. Chantal Mouffe.

زبان‌شناسی به قلمرو سیاست و جامعه است. لاکلا، نظریۀ مارکسیسم و ساختارگرایی را تلفیق کرده و از دل آن، نظریۀ پساساختارگرایی خود را مطرح می‌کند. در این نظریه، مارکسیسم، بستر پرداختن به امر اجتماعی را مهیا کرده است و ساختارگرایی زمینه شکل‌گیری نظریه‌ای در حوزه معنا را (یورگنسن و فیلیپس ۱۳۸۹: ۵۴). بر این اساس، پس از شرح مختصری از رمان، روش‌شناسی تحقیق ارائه می‌شود و پس از تحلیل یافته‌ها، نتیجه حاصل از این پژوهش ارائه می‌شود.

۱. شرح مختصری از رمان

رمان *زنی با کفش‌های مردانه*، روایت بیش از یک دهه زندگی کارگران در شرکت ریسندگی و بافندگی پارس است. داستان، دوره قبل از انقلاب اسلامی را که مصادف با اعتصابات کارگری در کشور است و دوره بعد از انقلاب را تا سال‌های ابتدایی پس از جنگ روایت می‌کند. پیش از انقلاب این کارخانه در مالکیت حاج بلورکویران و شریک انگلیسی او بود. در ابتدای رمان، اعتصاب کارگران شرکت با وعده هیئت مدیره مبنی بر افزایش حقوق و پاداش کارگران شکسته می‌شود. روزهای ابتدایی بعد از انقلاب، برای یک دوره کوتاه، کارگران شرکت از وضعیت کاری خود راضی هستند؛ اما به سرعت شرایط رو به بحرانی شدن حرکت می‌کند. ورود کارگران کارخانه‌های ورشکسته، نبود متخصص و مواد اولیه و شروع جنگ تحمیلی باعث ایجاد فضای متشنج و ناآرام در کارخانه ریسندگی و بافندگی پارس می‌شود. عده‌ای از کارگران به جبهه اعزام می‌شوند و عده‌ای هم برای حفظ امنیت در پاسگاه‌ها، نیروی داوطلب می‌شوند. در تمام داستان، رویدادهای روز و چالش‌های سیاسی، بحث اول بین کارگران است.

قسمت عمده رمان به مشکلات و موانع تولید در زمان جنگ می‌پردازد. مدیریت جدید کارخانه برای کاهش هزینه‌های شرکت، خدمات رفاهی کارگران را کاهش می‌دهد و به کارگران مخالف و معترض، برچسب ضدانقلاب می‌زند. از طرف دیگر، مدیران شرکت با انجام یک‌سری فعالیت‌های اجتماعی، ازجمله ارسال کمک به جبهه و نصب پلاکارد در حمایت از انقلاب، به دنبال حفظ ظاهر و موجه‌سازی چهره شرکت هستند. مدیران شرکت در برابر خواسته‌ها و مطالبات کارگران، با برگزاری سخنرانی‌های حماسی و پرشور، کارگران را به صبر و تحمل دعوت می‌کنند؛ اما درمقابل، بودجه شرکت را صرف خرید ماشین‌های لوکس و هزینه‌های شخصی و غیرضروری می‌کنند. بانگ اعتراض کارگران در تمام داستان شنیده می‌شود؛ اما مدیران شرکت با شیوه‌های مختلف آن را خفه می‌کنند.

بعد از پایان جنگ و با صدور حکم لغو مصادره کارخانه ریسندگی و بافندگی پارس، کارخانه مجدد به صاحب قبلی آن بازمی‌گردد. سیامک‌خان،

نماینده حاج بلورکویران، مدیریت شرکت را بر عهده می‌گیرد. در این دوره، قرارداد کارگرهای موقتی تمدید نمی‌شود و بعد از مدتی به کارگران اعلام می‌شود که باید خود را بازخرید کنند و شرکت به آن‌ها نیاز ندارد. در یک اطلاعیه دیگر، به کارگران اعلام می‌شود کارخانه برای تعمیرات تعطیل خواهد شد و کارگران باید برای تسویه حساب مراجعه کنند. کارگران در مقابل، هر روز جلوی در کارخانه جمع می‌شوند و با اعلام تحصن، حاضر به بازخرید نمی‌شوند. این تحصن چندین هفته به طول می‌انجامد و در این مدت نماینده کارگران به ادارات دولتی مختلف مراجعه می‌کنند، اما این اقدامات بی‌نتیجه می‌ماند. در نهایت کارگران مجبور به تسلیم می‌شوند و تصمیم می‌گیرند با کارخانه تسویه حساب کنند.

۲. روش‌شناسی

روش تحقیق در این پژوهش، تحلیل گفتمان براساس نظریات لاکلا و موفه است. تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، به مطالعه و بررسی فرایند تولید و تثبیت معنا در بستر اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. منظور از گفتمان این است که حقایق به شکل ثابت و خارجی وجود ندارند؛ بلکه، حقایق از طریق گفتمان بازنمایی می‌شود؛ به عبارت دیگر، زبان حقیقت را ایجاد می‌کند و تغییر می‌دهد؛ برای مثال، جاری شدن سیل، یک رخداد طبیعی است؛ اما افراد هنگام معنابخشی به این حادثه، براساس گفتمان‌های خود، این پدیده را به غضب الهی، سوءمدیریت و... تفسیر و تحلیل می‌کنند (مقدمی ۱۳۹۰: ۹۲).

تحلیل گفتمان^۱ ریشه در تطور فلسفه علم دارد. به دنبال انتقادات وارده بر پوزیتیویست و رویکردهای دیگر، جنبش رادیکال علم و جامعه‌شناسی علم با نگرشی جدید، علم را به عنوان پدیده‌ای سراسر اجتماعی تبیین کردند و این رویکرد موجب شد جنبه‌های مختلف اجتماعی بودن علم مورد کاوش قرار گیرد. از این منظر، علم می‌تواند خاستگاهی طبقاتی داشته باشد و در اختیار طبقه سلطه‌گر قرار گیرد؛ به عبارت دیگر، علم ابزار تولید قدرت برای طبقه حاکم است (بنتون و کرایب ۱۳۸۴: ۱۲۶).

در تحلیل گفتمان انتقادی، زبان به مثابه ابزاری برای انتقال یا تحمیل ایدئولوژی و ارزش‌های یک گروه بر دیگر گروه‌های اجتماع است. گروه‌های قدرت در تلاش هستند تا با استفاده از زبان، گفتمان خود را مشروع و قابل باور جلوه دهند. به این ترتیب، گفتمان خود را به عنوان یک حقیقت به مخاطبان القا می‌کنند (صفایی سنگسری و احمدپناه ۱۳۹۸: ۹۴). پینکوک^۲ معتقد است که نابرابری‌های اجتماعی در

زبان به وجود می‌آید و در زبان هم بازتاب می‌یابد (۱۳۷۸: ۱۲۸).

نظریه گفتمان لاکلا و موفه در کتاب *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی*^۱ در سال ۱۹۸۵ مطرح شد. لاکلا و موفه در نظریه گفتمان خود، جریان زبان‌شناسی و فلسفه را به پهنه فرهنگ، اجتماع و سیاست وارد کردند. نظریه گفتمان آن‌ها بر مبنای نظریات واسازی دریدا^۲، نشانه‌شناسی سوسور^۳، تبارشناسی و دیرینه‌شناسی فوکو^۴، هژمونی گرامشی^۵، روان‌کاوی لاکان، پدیده‌شناسی هوسرل^۶ و هایدگر^۷ بنا شده است (سلطانی ۱۴۰۰: ۷۰). لاکلا و موفه معتقدند که تمامی پدیده‌های اجتماعی حائز ویژگی گفتمانی و سیاسی هستند و از این نظر، گفتمان، نمایان‌گر اندیشه و عمل افراد است (سلطانی ۱۳۸۷: ۳). معنای هر ابژه و کنشی در گفتمان‌های مختلف، ممکن است متفاوت باشد؛ مثلاً «کارگر» در گفتمان مدیران به عنوان ابزاری برای تولید و رشد اقتصادی قلمداد می‌شود و در گفتمان طبقه کارگر، نماد کار و تلاش به حساب می‌آید. در واقع، معنا به صورت دائمی و قطعی تثبیت نمی‌شود و در سطح اجتماع در حال تغییر و تحول است. در ادامه، مفاهیم مهم نظریه لاکلا و موفه به طور مختصر بیان خواهد شد.

۱-۲. دال و مدلول

دال‌ها می‌توانند افراد، عبارات، یا نمادهایی باشند که در قالب گفتمانی خاص، دلالت بر معانی خاصی می‌کنند. مدلول، معنا و مصداقی است که دال بر آن دلالت می‌کند؛ به عبارت دیگر، مدلول نشانه‌ای است که با دیدن آن، دال معنا می‌یابد (کسرای و پوزش شیرازی ۱۳۸۸: ۳۴۳).

۲-۲. دال مرکزی^۸، عنصر و لحظه

دال به سه نوع، دال مرکزی، دال شناور و دال خالی تقسیم‌بندی می‌شود. دال مرکزی به مفهوم، شخص یا نمادی گفته می‌شود که دال‌های دیگر حول محور آن مفصل‌بندی می‌شوند. لاکلا و موفه بیان می‌کنند که در یک گفتمان تمام نشانه‌ها در ارتباط با یکدیگر معنا دار می‌شوند. تمامی نشانه‌ها در گفتمان مشخص، به دور یک نشانه مرکزی جمع می‌شوند. لاکلا و موفه این نشانه را «دال مرکزی» می‌نامند (laclau

1. Hegemony and Socialist Strategy
2. Derrida
3. Saussure
4. Foucault
5. Gramsci
6. Husserl
7. Heidegger
8. Nodal Point

112: 1985 & Mouffe). آن‌ها نشانه‌ای را که معنای مشخص و تثبیت‌شده‌ای درون یک گفتمان نداشته باشد، عنصر و در مقابل نشانه‌ای را که درون یک گفتمان و در ارتباط با دال مرکزی، دارای معنایی تثبیت شده باشد، لحظه می‌نامند. به این ترتیب، مفصل‌بندی گفتمان، تلاشی برای تبدیل تمام عناصر به لحظه‌هاست (Ibid 111)؛ به بیان دیگر، گفتمان‌ها به دنبال تبدیل عناصر به وقته‌ها و تقلیل معانی چندگانه آن‌ها به یک معنای ثابت هستند. البته این معنا به‌طور کامل تثبیت نمی‌شود (Jorgensen & Phillips 2002: 28). دال شناور^۱ نیز به دالی گفته می‌شود که مدلول آن غیرثابت است و دارای مدلول‌های متعددی است. هر گفتمان برای انتساب مدلول مد نظر خود تلاش می‌کند. همچنین دال خالی^۲ در نظریه گفتمان لاکلا و موفه بیانگر وضعیت آرمانی و مطلوب است.

۳-۲. مفصل‌بندی^۳

در فرایند مفصل‌بندی، یک نقطه محوری وجود دارد که نشانه برجسته‌ای است و دیگر نشانه‌ها اطراف آن قرار می‌گیرند و یک نظم گفتمانی را شکل می‌دهند (سلطانی ۱۴۰۰: ۷۷). در هر مفصل‌بندی، انواعی از دال‌ها وجود دارد که ارزش آن‌ها یکسان نیست. بخش اصلی مفصل‌بندی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد و گفتمان حول محور آن شکل می‌گیرد (محمدی ۱۳۹۴: ۱۵۲)؛ به بیان دیگر، مفصل‌بندی بین عناصر مختلف ارتباط و پیوند ایجاد می‌کند که این عناصر ممکن است مفاهیم، رفتار، نشانه‌ها و... باشند. در فرایند مفصل‌بندی، هویت پیشین عناصر، دگرگون و با ایجاد پیوندهای جدید، معنای دیگری برای عناصر بر ساخته می‌شود. به‌طور کلی، یک گفتمان بر مبنای پیوندها و روابطی تشکیل می‌شود که بین عناصر مختلف و از خلال اعمال مفصل‌بندی ایجاد می‌شوند (خویی ۱۳۹۵: ۲۲۰).

۴-۲. ضدیت‌سازی

از نظر لاکلا، یکی از مؤلفه‌های اصلی گفتمان‌ها، وجود تنازع و تخاصم درون آن‌هاست. هر گفتمان در تقابل با دیگر گفتمان‌ها، سعی می‌کند واقعیت را به‌گونه‌ای بیان کند که به گفتمان خود برتری بخشد و گفتمان‌های متخاصم را به حاشیه براند (۱۹۹۳: ۲۲۷). برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، مکانیسمی برای استقرار و تداوم قدرت یا به عبارت دیگر، هژمونیک کردن یک گفتمان است (مقدمی: ۱۰۴). در یک جامعه، گفتمان‌ها اشکال متفاوتی دارند و نمی‌توان جامعه‌ای را تصور کرد که درون آن، تنها

1. Floating Signifier
2. Empty Signifier
3. Articulation

یک گفتمان و طرز تفکر وجود داشته باشد. گفتمان‌ها به واسطه برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، نقاط قوت خود را برجسته می‌کنند و نقاط ضعف خود را به حاشیه می‌رانند و در مقابل، نقاط قوت گفتمان دشمن (غیر) را به حاشیه می‌رانند و نقاط ضعف آن را برجسته می‌کنند. جنبش‌های اجتماعی، اعتصابات، رسانه‌های جمعی و...، از جمله ابزارهای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی هستند (سلطانی ۱۴۰۰: ۱۱۳).

۲-۵. هژمونی

از دیگر مؤلفه‌های اصلی نظریه لاکلا و موفه «هژمونی» است. هژمونی حاصل اجماع جامعه بر معنای یک نشانه است. هژمونیک‌شدن یک گفتمان به معنای غلبه استراتژی آن گفتمان بر جامعه است (یورگنسن و فیلیپس: ۹۵). نقش قدرت در هژمونی‌شدن یک گفتمان بسیار مهم است. گروه‌های قدرت، تعریف خود از دال و مدلول را به جامعه تحمیل می‌کنند. هژمونی در نظر گرامشی^۱ تسلط طبقه حاکم بر طبقه فرودست و اقناع طبقه فرودست برای ادامه پذیرش سلطه است؛ اما از نظر لاکلا هژمونی در سراسر جامعه وجود دارد. از دید وی، نیروهای سیاسی، اشکال مسلط رفتاری در جامعه را تعیین می‌کنند (مارش و استوکر ۱۳۷۸: ۲۰۹)؛ به دیگر سخن، مقررات جامعه براساس هژمونیک‌شدن خواسته‌های قدرت سیاسی شکل می‌گیرد. از نظر لاکلا، گفتمان‌ها در برخورد با یکدیگر تلاش می‌کنند معنای مورد نظر خود از یک پدیده را به جامعه بقبولانند (۱۹۹۳: ۲۸۱).

۳. یافته‌ها

در رمان زنی با کفش‌های مردانه، دو گفتمان «کارگران/قشر فرودست» و گفتمان «مدیران/قشر فرادست» از بسامد بالایی برخوردار هستند. راویان گفتمان اول، کارگران رمان هستند و این گفتمان در تعامل بین آن‌ها در محیط کار شکل می‌گیرد. گفتمان دوم، گفتمان مدیران شرکت و حامیان سرمایه‌داری است که در تقابل با گفتمان کارگری قرار دارد و با استفاده از ابزار ایدئولوژی و قدرت، در تلاش برای به حاشیه‌رانی گفتمان کارگری و برجسته‌سازی گفتمان خود است. در ادامه، ابتدا گفتمان کارگران/قشر فرودست مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و مفصل‌بندی می‌شود و سپس گفتمان مدیران/قشر فرادست تحلیل خواهد شد. لازم به ذکر است که پژوهشگران در این مقاله به دنبال شناسایی تمام گفتمان‌های موجود در رمان نبوده‌اند؛ بلکه گفتمان‌ها در جهت موضوع پژوهش بازنمایی شده‌اند.

۱-۳. گفتمان کارگران/ قشر فرودست

رمان زنی با کفش‌های مردانه، حول محور زندگی و کار کارگران می‌چرخد و به همین خاطر، مهم‌ترین گفتمان رمان نیز «گفتمان کارگران/ قشر فرودست» است. درون نظم گفتمانی کارگری، گفتمان هر یک از کارگران قرار می‌گیرد. نماد «کارگر»، دال مرکزی این گفتمان به حساب می‌آید و از آنجاکه گفتمان کارگری همراه با اعتراض به وضعیت شغلی و نابرابری اجتماعی است، دال‌های دیگری که با دال مرکزی در ارتباط هستند نیز صیغه اعتراضی دارند. این دال‌ها عبارتند از: استثمارستیزی، عدم وجود امنیت شغلی، اعتراض به ضوابط و قوانین موجود، محیط کار ناپایدار و مدیران فاسد. گفتمان کارگری در ذیل دو عنوان تبعیض و نابرابری اجتماعی و جرایم شرکتهای علیه کارگران قرار گرفته است تا بین گفتمان و نظریات جرم‌شناسی انتقادی ارتباط برقرار شود.

۱-۱-۳. تبعیض و نابرابری اجتماعی در گفتمان کارگران/ قشر فرودست

هرگونه تمایز، طرد و به‌حاشیه‌راندن اشخاص براساس جایگاه اجتماعی، مذهب، قبیله، گروه قومی یا سابقه فرهنگی که در اثر آن، حقوق ابتدایی انسان، موقعیت‌های شغلی و امکانات اجتماعی، از گروهی سلب و در اختیار گروه خاصی قرار گیرد، تبعیض قلمداد می‌شود (Odinye 2018: 169). تبعیض طبقاتی قدمتی به درازای تاریخ بشر دارد. تبعیض طبقاتی در جوامع سرمایه‌داری به دنبال ایجاد معیارهایی است که به نفع فرادستان و به ضرر طبقه فرودست بر ساخته شود. در نظام‌های سرمایه‌داری، افراد حاکم با ایجاد طبقات اجتماعی نامتعادل، در پی برتری‌بخشیدن به گروه خاص و در اختیار گرفتن حداکثر امتیازات در جامعه هستند (دانش ناری و دیگران ۱۴۰۲: ۱۷۷). در رمان زنی با کفش‌های مردانه، هویت شخصیت‌ها براساس طبقه اجتماعی آن‌ها تعریف می‌شود. نظام طبقاتی رمان، طبقه کارگر را به حاشیه می‌راند و موجب پامال‌شدن حقوق کارگران می‌شود. زندگی کارگران به شغل آن‌ها گره خورده است و همواره نگران ازدست‌دادن آن هستند. طبقه کارگر نه تنها نابرابری‌های اجتماعی نظام طبقاتی را تحمل می‌کند؛ بلکه قوانین حاکم نیز به این نابرابری‌ها می‌افزاید. در چنین وضعیتی، طبقه فرادست فرصت را برای چپاول سرمایه کشور مناسب می‌بیند و زمینه برای ارتکاب جرایم یقه‌سفیدان در بسترهای شغلی فراهم می‌شود. از دید جرم‌شناسان انتقادی، جرم یک پدیده بر ساخته است و در فرایند جرم‌انگاری، منافع افراد قدرتمند جامعه مورد توجه قرار دارد و برای حفظ این منافع، عمل جرم‌انگاری صورت می‌گیرد (میرمجیدی و دیگران ۱۳۹۵: ۱۴۸). تأمین منافع گروه‌های ثروت در نظام‌های سرمایه‌داری از اهمیت بسزایی برخوردار است.

یکی از قوانین مهمی که می‌تواند منافع سرمایه‌داران را با خطر مواجه کند، قوانین مربوط به حوزه کار است. این قوانین با هدف حمایت از کارگران و حفظ حقوق آن‌ها به‌عنوان یک گروه آسیب‌پذیر در برابر جرایم شرکت‌ها تصویب می‌شود؛ اما ممکن است این قوانین با نفوذ گروه‌های ثروت و قدرت به‌گونه‌ای تدوین شوند که منتهی به نتیجه عکس شود و باعث تضییع حقوق کارگران شود. همچنین، جرم‌شناسان انتقادی با بیان این موضوع که گفتمان مردسالار در تمام ابعاد و ساختار زندگی اجتماعی تسلط داشته است؛ بر نادیده‌گرفته‌شدن حقوق و هویت زنان در جامعه مردسالار تأکید دارند (واحد و دیگران ۱۳۹۹: ۳۳۳). گفتمان مردسالار در محیط کار نیز حکم‌فرماست. زنان در این فضا ممکن است بزه‌دیده جرایم جنسیتی واقع شوند؛ اما بیان آن را به‌معنای شرمساری بیشتر برای خود و ازدست‌دادن کار می‌دانند؛ در نتیجه، در محل کار در مقابل انواع خشونت جنسی قرار می‌گیرند و با پذیرش آن، موجب شکل‌گیری فرهنگ تبعیت جنسی می‌شوند.

در گفتمان کارگری، مدیران شرکت، افرادی منفعت‌طلب، فاسد، دزد و طماع هستند و جز کسب سود، به چیز دیگری نمی‌اندیشند. صاحبان سرمایه با ایجاد فرهنگ سازمانی اصالت سود و کسب سود به هر طریقی، موجب می‌شوند مدیران شرکت نیز به تبعیت از این فرهنگ، دست به ارتکاب انواع جرایم بزنند. در صورتی که سرمایه‌داران و مدیران احساس خطر کنند، می‌گیرند و کارگران بسیاری از کار بیکار می‌شوند.

جدول ۱. گفتمان کارگران/ قشر فرودست

پاره‌گفتار	دال گفتمانی	تحلیل
(کارگران) از ظلم کارفرما و ماده‌سی و سه حرف می‌زنند. (ماده‌سی و سه به امکان اخراج کارگران توسط مدیران شرکت، بدون نیاز به دلیل اشاره دارد).	اعتراض به ضوابط و قوانین حاکم	کارگران، بزه‌دیدگان بالقوه جرایم شرکتی به حساب می‌آیند؛ بنابراین، قانون‌گذاران برای حمایت از این گروه آسیب‌پذیر قوانین حمایتی را به تصویب می‌رسانند. جرم‌شناسان انتقادی معتقدند که قوانین تحت تأثیر فشار گروه‌های فرادست جامعه به‌گونه‌ای تدوین می‌شوند که منافع آن‌ها را تأمین کند. درنهایت قوانین حمایتی، نتیجه عکس می‌دهند و از سرمایه‌داران حمایت بیشتری به عمل می‌آورند.
ما کارگرها همین که بتوانیم توی کارخانه‌ها حق و حقوق خودمان را از حلقوم سرمایه‌دار بی‌وجدان بکشیم بیرون و این ماده‌سی و سه را از قانون کار حذفش بکنیم، خودش یک جور پیروزی است.	اعتراض به ضوابط و قوانین حاکم	در گفتمان کارگری، نابرابری اجتماعی و تبعیض طبقاتی موجب نادیده‌گرفته‌شدن رفتارهای آسیب‌زای طبقه فرادست می‌شود و همان‌طور که جرم‌شناسان منتقد بیان می‌کنند، بزه‌دیدی کارگران توسط شرکت‌ها، به‌عنوان یک جرم در سیستم کیفری مورد شناسایی قرار نمی‌گیرد. بالعکس، قوانین در حمایت از طبقه فرادست بر ساخته می‌شوند.
زری، نجاری که شوهرش چند ماهی در زندان بوده و از آن وقت برای تأمین خرج زندگی خودش به کارگری روی آورده است و همیشه چکمه مردانه‌ای می‌پوشد، می‌گوید: «نه رژیم شاه به این حرف‌ها از بین می‌رود، نه این ماده‌سی و سه را کارگرها می‌توانند از بین ببرند. اگر کاری هم بتوانند بکنند، شش ماه بعدش، ماده شصت و شش را می‌گذارند به جایش تا رس همه را بکشند!»	اعتراض به ضوابط و قوانین حاکم	کارگران برای تأمین زندگی خود با کارشان وابسته هستند و به همین دلیل در مقابل نقض حقوقشان مقاومت را بی‌فایده می‌دانند. کارگران با اعتراض و اعتصاب خود به دنبال برجسته‌سازی گفتمان خود هستند؛ اما درمقابل، شرکت هم با سرکوب اعتراضات کارگری اجازه هژمونی گفتمان کارگری را نمی‌دهد. در گفتمان کارگری، قانون همیشه از شرکت‌های تجاری حمایت می‌کند.
باید چند نفر دیپلمه و فوق‌لیسانس دوره‌دیده به حساب اداره بهداشت و وزارت بهداشتی استخدام بشود؛ حقوق و مزایای آن‌ها را هم از جیب مبارک شرکت اخ بکنند. خیال کن استخدام خود شرکت هستند؛ عین من و تو. آن وقت همان دیپلمه‌ها، همان لیسانسه‌ها، آن‌ها هم وظیفه دارند اگر از یک تار پنبه غیربهداشتی هم استفاده بشود، جلوی تولید آن را بگیرند. وظیفه دارند خبر تخلف کارخانه را به اداره بهداشت گزارش بکنند!	اعتراض به ضوابط و قوانین حاکم	یکی از دغدغه‌های جرم‌شناسان انتقادی در حوزه جرایم شرکتی، جرایم علیه مصرف‌کنندگان است که می‌تواند از طریق تولید کالای غیربهداشتی محقق شود. شرکت‌هایی که تنها به فکر منافع خود هستند، نسبت به جامعه هیچ‌گونه تعهدی احساس نمی‌کنند. قوانین موجود در این زمینه نیز برای جلوگیری از این‌گونه جرایم کارآیی چندانی ندارند.
برای استمداد و عرض حال می‌روند مجلس شورای اسلامی. پس از آنکه در مجلس نمی‌توانند با نماینده ملاقات بکنند، فقط به تحویل شکایت‌نامه‌ای اکتفا می‌کنند.	اعتراض به ضوابط و قوانین	گفتمان کارگری که در مقابل گفتمان مدیران از قدرت چندانی برخوردار نیست. کارگران برای تقلیل‌خواهی و استثمارستیزی به مجلس شورای اسلامی مراجعه می‌کنند؛ اما نه کسی حاضر به دیدن آن‌ها می‌شود و نه هرگز به اعتراضشان رسیدگی می‌شود.
دولت خدمتکار مردمی با این قانون هشتادونه‌روزه به چنان روزی انداخته که اینجا از کهریزک واجب‌تر است. نصف کارگرهای شرکت هرکدام خانوادگی محتاج یک سیر از همین گوشت قربانی هستند.	اعتراض به ضوابط و قوانین	پس از انقلاب و اصلاح قانون کار، باز هم کارگران قوانین را به نفع شرکت‌ها می‌دانند. کارگرانی که در وقوع انقلاب نقش پررنگی ایفا کرده‌اند، باز هم نسبت به نابرابری‌های ساختاری معترض هستند و از بهره‌کشی سرمایه‌داران از آن‌ها ناراضی هستند؛ اما برتری گفتمان مدیران مانع از دیده‌شدن خواست‌های کارگران در قانون می‌شود.

کارگان در محیط بسته کار یک بزه‌دیده بالقوه هستند. در این فضا که نظارت چندانی وجود ندارد، نیاز به قوانین حمایتی به شدت احساس می‌شود. کارگران ممکن است توسط شرکت‌ها مورد استثمار قرار گیرند و به دلیل ترس از اخراج، در مقابل آن اعتراضی نکنند. وجود قوانین تبعیض‌آمیز به نفع شرکت‌ها موجب تشدید جرایم شرکتي علیه کارگران می‌شود.	اعتراض به ضوابط و قوانین	گله در عالم برده‌داری، یک اصطلاح بوده؛ الان هم کارگرهای قراردادی هشتادونه‌روزه، توی کشور خودمان، حکم همان گله را دارد!
گفتمان کارگري در تقابل با گفتمان مدیران قرار دارد و معنا می‌یابد. در گفتمان کارگري، مدیران، دزدان طماعی هستند که از طبقات ضعیف جامعه دزدی می‌کنند. جرم‌شناسان انتقادی برخلاف جرم‌شناسان جریان غالب که بر روی جرایم خیابانی و سنتی تمرکز داشتند، جرایم یقه‌سفیدان و جرایم شرکتي را مطرح و آسیب‌های اجتماعی این دسته از جرایم را نمایان کردند.	مدیران و سرمایه‌داران فاسد	سرمایه‌دار جماعت جایی نمی‌خواهد که آب برود زیرش. حالا هیچی نشده، هر سرمایه‌دار دست‌وپاچلفتی، دست‌کم دوبرابر ارزش کارخانه‌اش از بانک‌ها وام برداشته، پول بی‌زبان کارگرها را هم فرستاده خارج. مثل من و تو نیستند که یک روز بیکار باشیم، شب بایستی گرسنه بخوابیم!
جرایم شرکتي طیف گسترده‌ای از افراد جامعه را بزه‌دیده اثرات مخرب خود می‌کند. این جرایم می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب جرم توسط کارگرانی که شغلمان را از دست داده‌اند، شود.	مدیران و سرمایه‌داران فاسد	خبرهای ناخوشایندی به گوش می‌رسد. فرار سرمایه‌دارها و صاحبان صنایع و بی‌سرپرست ماندن کارها و کارخانه، در حال فلج کردن جامعه کارگري است.
مدیران شرکت برخلاف آنچه بیان می‌کنند، به دنبال بهبود شرایط کارگران نیستند؛ بلکه با موجه‌سازی چهره خود، در پی آنند تا کارگران تمام و کمال از اوامر آن‌ها تبعیت کنند. یکی از جرایمی که در محیط شرکت‌ها رایج است، خشونت جنسی علیه زنان است. زنان کارگر در محیط کار ممکن است با خشونت‌های جنسی و روانی مواجه شوند و به دلیل ترس از اخراج و نیاز به شغل، در برابر چنین رفتارهایی سکوت کنند.	مدیران و سرمایه‌داران فاسد	رئیس هیئت مدیره و رئیس تولید، قول تغییرات اساسی در شیوۀ تولید و بهبود شرایط کار را می‌دهد. مهندس در اولین اقدام عملی‌اش، خانم ژیلای معرفت، منشی کارگزینی را به‌عنوان سرکتر، به دفتر خودش منتقل می‌کند... — عجب مهندس قلاتاقی، نیامده منشی خوشگله را تور زد!
مدیران و سرمایه‌داران، بزه‌کاران محترم جامعه هستند؛ زیرا بسیاری از رفتارهای آن‌ها به‌عنوان جرم تعریف نشده و مباح تلقی می‌شوند. آن‌ها دارای حالت خطرناک بالا هستند؛ اما نظام عدالت کیفری علاقه بیشتری برای برخورد با جرایم طبقه فرو دست جامعه دارد.	مدیران و سرمایه‌داران فاسد	این مدیران از مابه‌تران، از گوشه‌وکنار، هر جاکه دستشان برسد، مال بیت‌المال را می‌کشند بالا؛ ولی وقتی نوبت به دو تا ماشین جلوی چشم این همه کارگر می‌رسد، همه تسبیح آب می‌کشند. برای ما مقدس‌بازی در می‌آورند که بعله.
در سراسر گفتمان کارگري، دزدی با مدیریت و سرمایه‌داری همراه است. فساد در ارکان بالای شرکت‌ها پیدای می‌کند. بسیاری از جرم‌شناسان سنتی، فقر را عامل اصلی ارتکاب جرم می‌دانستند؛ اما ارتکاب جرم توسط افرادی با پایگاه اجتماعی بالا و ثروتمند، این گزاره را رد می‌کند.	مدیران و سرمایه‌داران فاسد	حالا هر مدیر پاپتی که از راه می‌رسد، تاجایی که دستش جا بگیرد، می‌چاید و می‌خورد. بدی کار اینه که اضافیش را هم می‌فرستد خارج، تا مبادا توی مملکت کارخانه‌ای، شرکتي چیزی تأسیس بشود. تا مبادا یک عده بیکار و بیچاره بنشینند پای سفره.
در نظام سرمایه‌داری، طبقه فقیر جامعه به خدمت طبقه ثروتمند درمی‌آید. در این نظام طبقاتی، نسبت به جرایم طبقه فرو دست علیه ثروتمندان، برخوردهای خشن و سختی صورتی می‌گیرد؛ اما در برابر جرایم فرادستان نسبت به قشر ضعیف جامعه توجهی نمی‌شود.	مدیران و سرمایه‌داران فاسد	باز هم چند میلیارد وام مواد اولیه می‌گیرند. حرام‌زاده‌ها، حواسشان هست؛ از اول کار؛ نصف بیشتر سرمایه را می‌فرستند خارج؛ به حساب‌های بانکی خودشان؛ بعد هم با هزار تا منت، یک تعداد جوان بیکار روزمزدی را عین برده می‌گمارند بالای سر دوک‌ها، پارچه یا چه می‌دانم...

۲-۱-۳. جرایم شرکّتی علیه کارگران در گفتمان کارگری

رقابت اقتصادی در فضای حاکمیت سرمایه‌داری، سبب می‌شود تا براساس اصالت سود، مدیران شرکت‌ها از هر طریقی در پی دستیابی به سود بیشتر باشند؛ از این‌رو، فرهنگ سازمانی غالب در شرکت‌های تجاری، کسب سود به هر نحو ممکن است. در چنین فضایی، شرکت‌های تجاری با اتخاذ رویکرد فرهنگ مقاومت در برابر قانون، به دنبال راهکارهایی برای مقابله با قوانین محدودکننده تجاری هستند (قپانچی و دیگران ۱۳۹۳: ۱۶۳)؛ بنابراین، فرهنگ سازمانی تأثیر زیادی بر رفتار مدیران و کارکنان شرکت دارد و آن‌ها با تبعیت از این فرهنگ، دست به ارتکاب جرایم شرکّتی می‌زنند.

یکی از جرایم شرکّتی که بزه‌دیده آن، کارگران هستند، خشونت شرکّتی است. خشونت شرکّتی ناشی از سیاست‌ها و راهبردهای شرکت است که در جهت کاهش هزینه‌های شرکت و افزایش سود بیشتر، توسط تصمیم‌گیران شرکت اتخاذ می‌شود. خشونت‌های شرکّتی برخلاف نوع سستی خود، به شکل مستقیم ارتکاب نمی‌یابد و احراز رابطه علی میان خشونت و صدمه وارده مشکل است؛ به همین جهت، چندان مورد توجه نظام عدالت کیفری قرار نگرفته است (قورچی‌بیگی ۱۳۹۴: ۹۳).

خشونت در محیط یک مفهوم گسترده و موسع است. خشونت علیه کارگران به تمام رفتارهای پرخاشگرانه، توهین‌آمیز و سایر رفتارهایی که موجب صدمات روحی و فیزیکی به کارگران می‌شود، اتلاق می‌شود (Ooijens 2017: 5). خشونت در محیط کار می‌تواند به صورت فیزیکی، روانی، جنسیتی و مالی ظاهر شود (مظفری ۱۳۹۸: ۱۲۰). یکی از رفتارهای رایج در محیط کار، خشونت‌های کلامی علیه کارگران است. خشونت کلامی می‌تواند در قالب تحقیر و تمسخر یا تهدید کارگران تحقق یابد. خشونت در محل کار عموماً از طرف مدیران و ناشی از ساختار و روابط قدرت در محیط کار است. خشونت در محیط کار ارتباط مستقیمی با فرهنگ سازمانی دارد؛ به عبارت دیگر، در صورتی خشونت در محیط کار بروز و ظهور می‌یابد که فرهنگ سازمانی شرکت، آن را تأیید کند.

یکی دیگر از انواع خشونت در محیط کار، خشونت جنسی علیه زنان است. زنان بزه‌دیده خشونت جنسی، برای حفظ شغل خود مجبور به سکوت یا استعفا می‌شوند. اگرچه تبعیض‌ها و خشونت‌های جنسی در محیط کار به عنوان یک جرم مورد توجه قرار نگرفته‌اند؛ اما همین مسئله خود نشان می‌دهد که چگونه در اثر سکوت قانون، زنان، بزه‌دیده شرکت‌ها واقع می‌شوند (قورچی‌بیگی: ۲۲۹). از خشونت به عنوان ابزاری برای کنترل و استثمار کارگران در محیط کار استفاده می‌شود. تهدید به اخراج و کاهش حقوق و مزایا نمونه‌ای بارز از خشونت است. در

نظام سرمایه‌داری، خشونت در محیط شغلی، طبیعی و مباح قلمداد می‌شود. در گفتمان کارگری به دلیل تسلط گفتمان مدیران، معنای خشونت علیه کارگران کمرنگ جلوه داده می‌شود و به این ترتیب، خشونت‌های موجود در محیط شرکت، امری نه‌چندان جدی و مهم تلقی می‌شود.

استثمار و بهره‌کشی از کارگران در محیط کار، هرچند مورد جرم‌انگاری قرار نگرفته باشد، ازجمله جرایمی است که شرکت‌ها علیه کارگران مرتکب می‌شوند. از دید مارکس، همواره کارفرمایان از کارگران و مستخدمان خود در حال بهره‌کشی و دزدی هستند. مارکس با بیان نظریهٔ «ارزش اضافی»^۱ بیان می‌دارد که مقدار مزدی که کارگران دریافت می‌کنند، کمتر از میزان ارزش واقعی کار آن‌هاست و در نتیجه، مقدار مازاد به‌عنوان ارزش اضافی متعلق به سرمایه‌دار است (۱۰۹). اغلب شرکت‌ها به دنبال کاهش دستمزد و جلوگیری از افزایش هرگونه حقوق و دستمزد کارگران هستند. این سیاست، ممکن است شرکت‌ها را به سمت استخدام کارگران خارجی یا استفاده از کارگران به‌صورت پاره‌وقت سوق دهد. چنین شرایطی زمینه را برای استثمار کارگران توسط شرکت‌ها مهیا می‌کند و کارگران نیز به‌اجبار به آن تن می‌دهند. از دیگر مسائل مهم در تعامل بین کارگر و شرکت، امنیت شغلی و کاری است. امنیت شغلی وضعیتی است که افراد در معرض خطر از دست‌دادن شغل یا تغییرات شغلی نباشند و برای رسیدن به شغل مناسب، امنیت لازم را احساس کنند؛ به عبارت دیگر، امنیت شغلی به این امر توجه دارد که اشتغال کارگران در مخاطره قرار نگیرد و کارگران از هر نوع تهدید از دست‌دادن شغل مصون بمانند (شکرالهی و پرستش ۱۳۹۰: ۷۶). یکی دیگر از جرایمی که ممکن است در رابطهٔ بین کارگر و شرکت محقق شود، جرایم استخدامی است. به‌طور کلی، استخدام هر فردی خارج از چهارچوب و ضوابط تعیین‌شده، تبعیض در استخدام و همچنین، محرومیت متقاضیان دارای شرایط از حق اشتغال، در این دسته از جرایم قرار می‌گیرد. شرکت‌ها با توجیهات به‌ظاهر قانونی، حقوق اساسی کارگران، ازجمله سلامت، ایمنی محل کار و تضمینات شغلی را نقض می‌کنند (سلیمی ۱۳۸۶: ۲۴۳).

جرایم روانی و کلامی، جرایم جنسیتی و تبعیض‌آمیز، بی‌توجهی به سلامت روان کارگران، نقض حقوق قانونی و قراردادی، نقض امنیت شغلی و تبعیض در محیط کار، ازجمله جرایمی است که شرکت‌ها علیه کارگران خود مرتکب می‌شوند. برخی اقدامات شرکت‌ها نقض آشکار قانون و مصادیق بارز دزدی شرکت‌ها از کارگران به حساب می‌آیند. این اقدامات شامل عدم پرداخت حق بیمهٔ کارگر، عدم پرداخت حقوق بازنشستگی، پرداخت دستمزد کمتر، اضافه‌کار بدون پرداخت مزد، حذف مزایای

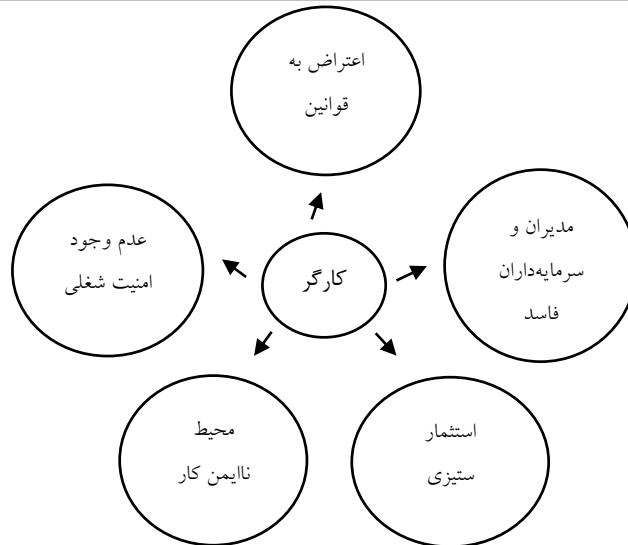
قانونی، نقض قانون حداقل دستمزد و سایر اقدامات مشابه است (قورچی‌بیگی: ۱۱۰). این جرایم در رمان *زنی با کفش‌های مردانه*، قابل ملاحظه است. گفتمان کارگری که به دنبال عدالت‌طلبی و احیای حقوق تضییع‌شده کارگر است، با برپایی اعتصاب و اعتراض، گفتمان خود را برجسته می‌کند و نسبت به این جرایم واکنش نشان می‌دهد؛ اما توان لازم برای رویارویی و مقابله با گفتمان مدیران را ندارد؛ در نتیجه، گفتمان کارگری، سرکوب و به‌عنوان یک گفتمان فرعی شناسانده می‌شود.

۳-۲. گفتمان مدیران/ قشر فرادست

جدول ۲. گفتمان کارگران/ قشر فرودست

پاره‌گفتار	دال گفتمانی	تحلیل
می‌روند تا برسند به محل ساعت کارت‌زنی که دقیقه‌هایش، هریک ارزش یک ربع ساعت کار را دارد! با هفت دقیقه اول، اولین بار در برج، تأخیری به حسابشان نوشته نمی‌شود؛ ولی هشت دقیقه که بشود، یک ربع ساعت کسری کار دارد. در صورت تکرار، برگ اخطار و جریمه هم دنبالش!	استثمارستیزی و مقاومت در مقابل بهره‌کشی	شرکت‌ها به‌منظور به‌کارگیری حداکثری کارگران، قوانین سخت و ناعادلانه‌ای را منظور می‌کنند که منجر به استثمار و بهره‌کشی از کارگران می‌شود. گفتمان کارگری نسبت به این قوانین غیرمنصفانه معترض است. استثمار کارگران یکی از مهم‌ترین جرایمی است که در محیط شرکتی به وقوع می‌پیوندد. شرکت‌ها با هدف کسب سود بیشتر از کارگران بهره‌کشی می‌کنند.
این شرکت صاحب‌مرده این همه مهندس می‌خواهد چی‌کار؟ فردا که جاپایشان سفت بشود، کارخانه ملک شخص خودشان می‌شود. آنوقت ما کارگرها را هم نوکر شخصی پدرشان می‌دانند.	استثمارستیزی و مقاومت در مقابل بهره‌کشی	در فرهنگ سازمانی که برپایهٔ اصالت سود شکل گرفته باشد، مدیران و کارکنان شرکت هم برای پیشرفت در کار، باید از این فرهنگ تبعیت کنند؛ از این‌رو، کارگران از استثمار توسط مهندسان جدید بیم دارند.
کارگر قراردادی، یعنی برده. قانون کار ما، با این کیفیت، فعلاً قانون برده‌داری شده است.	استثمارستیزی و مقاومت در مقابل بهره‌کشی	جرم‌شناسان منتقد، قانون‌گذاری را یک فرایند مستقل و بی‌طرف نمی‌دانند. از دید آن‌ها، قوانین برای حمایت از گروه‌های خاص جامعه (گروه‌های قدرت و ثروت) تصویب می‌شوند.
ما را این‌طوری انداخته‌اند به جان هم. از آن طرف یک عده تازه‌به‌دوران‌رسیدهٔ بی‌ریشه، صدقه‌سر ما بیچاره‌های بی‌کلاه، پول پارو می‌کنند.	استثمارستیزی و مقاومت در مقابل بهره‌کشی	ایجاد تضاد درون یک گفتمان می‌تواند به تضعیف و کمرنگ‌شدن آن گفتمان بینجامد. مدیران شرکت با ایجاد تفرقه میان کارگران و تضعیف گفتمان آن‌ها، می‌توانند به استثمار کارگران ادامه دهند.
فعلاً سنبهٔ سرمایه‌دار پرزوره. چهار صبح دیگه، وقتی مطمئن بشود کارگر مثل گذشته به حرفش نمی‌رود. با یک بهانه‌ای یک گوشهٔ تولید را لنگ می‌گذارد. آنوقت امثال من و شما چه کاری از دستمون برمی‌آد... در این موقعیت زیاده‌روی کنیم، جلوتر از همه دودش چشم خودمونو سوزونده.	عدم وجود امنیت شغلی	در گفتمان کارگری، ترس از دست‌دادن شغل بسیار پررنگ است. همین عامل باعث می‌شود تا کارگران در مقابل تضییع حقوقشان سکوت کنند. شرکت‌ها از هیچ ضابطه‌ای برای استخدام و اخراج کارگر تبعیت نمی‌کنند و کارگران از امنیت شغلی برخوردار نیستند. تهدید به اخراج و بازنشستگی اجباری توسط شرکت، از مصادیق عدم وجود امنیت شغلی است که در رمان دیده می‌شود.

به‌خاطر یک نوع احساس ناامني شغلي، از خودشان و از همکارانشان و از دوستان قديمي‌شان، از کارگرهای تازه‌استخدام‌شده‌ای که در هر بخش مورد نيشخند و تمسخر بقيه واقع می‌شوند، از خودشان و از کارشان ایراد می‌گیرند؛ از مدیریت ناوارد و از هيئت‌مدیره و مهندس‌های جوان دانشجو‌نما.	عدم وجود امنیت شغلي	شرکت در شرایط بد اقتصادی و کاهش تولید محصولات، کارگران جدید استخدام می‌کند. کارگران قديمی جایگاه شغلي خود را در خطر می‌بینند. به‌خدمت‌گرفتن نیروی کار جدید و ارزان، درنهایت به استثمار کارگران ختم خواهد شد و امنیت شغلي کارگران را نیز از بین خواهد برد.
من و تو، این کارگرهای بخت‌برگشته صبح تا شب مثل سگ داریم چون می‌کنیم برای مملکت. ماهاییم که همیشه خدا هشت‌مان گرو نه‌مان است. دیگر امنیت شغلي هم نداریم. صد رحمت به ماده‌ی سی و سه قانون کار سابق.	عدم وجود امنیت شغلي	شرکت‌ها با دارا بودن قدرت بیشتر نسبت به کارگران، به‌راحتی می‌توانند از تعهدات خویش سر باز زنند و درمقابل، کارگران که برای گذران زندگی به نیروی کارشان وابسته هستند، در بال رفتارهای غیرقانونی شرکت، چاره‌ای جز تمکین ندارند.
نه قراردادی‌ها امنیت شغلي دارند، نه قديمی‌ها. خودشون با دست خودشون، یارو مدیر مالی را برده‌اند بالای برج عاج. حالا نه دیگر می‌توانند بیارندش پایین، نه جرأت دارند مسقیم رودرویش بایستند.	عدم وجود امنیت شغلي	انعقاد قرارداد کار موقت، امنیت شغلي کارگران را از بین می‌برد؛ اما از آنجاکه شرکت‌ها به دنبال نیروی کار ارزان هستند، کارگران موقت را استخدام می‌کنند. این کارگران برای تمديد مجدد قرارداد، از هرگونه دستور کارفرما تبعیت می‌کنند.
می‌آوردنش به جلوی نگهبانی. آمبولانس شرکت مثل همیشه آماده نیست.	محیط نایمن کار	یکی از جرایم شایع در محیط‌های کاری، عدم تأمین ایمنی و حفاظت توسط شرکت‌هاست. شرکت‌ها معمولاً وقوع حادثه در محل کار را یک امر طبیعی قلمداد می‌کنند و از انجام وظایف خود در این حیطه شانه خالی می‌کنند.
آقامعین... بی‌توجه به اوضاع وخیم کارخانه و آتشی که از قسمت رنگریزی شروع شده است و لحظه‌به‌لحظه سرکش‌تر هم می‌شود، بیرون از کارخانه، نگاهش هنوز رو به مسیری مانده است که جواد آقا از آن سمت رانده است.	محیط نایمن کار	شرکت‌های تجاری به بهانه مشکلات مالی و بی‌فایده‌بودن اقدامات ایمنی و پیشگیرانه، حاضر به صرف هزینه در این زمینه نیستند. شرکت‌های تجاری که فقط به دنبال تولید ثروت هستند، به سلامت و ایمنی کارگران اهمیت نمی‌دهند.
احتمال گسترش آتش می‌تواند سرنوشت شومی را بر خود و خانواده‌شان رقم بزند؛ که می‌تواند موجب بیکاری و سرگردانی همیشگی‌شان بشود.	محیط نایمن کار	حوادث شغلي ناشی از عدم ایمنی محیط کار، آسیب‌های فراوانی برای کارگران به ارمغان می‌آورد. حوادث محیط کار، زندگی کارگران شرکت را تهدید می‌کند؛ اما در گفتمان مدیران نادیده گرفته می‌شود.
آمبولانس روبه‌روی در تعمیرگاه از پس گردو خاک و دوده نشسته رویش، دیگر رنگ اصلی‌اش پیدا نیست!	محیط نایمن کار	شرکت‌های تجاری، هزینه‌های سالم‌سازی محیط کار را هزینه اضافی برای شرکت می‌دانند. کارگران در محیط‌های پرخطر کاری از حمایت‌های لازم برخوردار نیستند.



شکل ۱. مفصل‌بندی نماد «کارگر» به‌عنوان دال مرکزی گفتمان کارگران/ قشر فرودست

مدیران شرکت‌ها تحت تأثیر فرهنگ سازمانی موجود در شرکت قرار دارند؛ بنابراین ارتکاب جرایم توسط آن‌ها در جهت تبعیت از این فرهنگ تحقق می‌یابد. گفتمان مدیران و صاحبان شرکت ذیل گفتمان مدیران/ قشر فرادست بیان می‌شود. دال مرکزی در این گفتمان، «تولید ثروت» است که با دال‌های اعمال قدرت بر کارگران، تقدس‌بخشی به کار و تولید، ظاهر‌نمایی و موجه‌سازی، سرکوب خواسته‌های کارگران و کسب سود در ارتباط است. تحلیل این گفتمان در دو بخش قدرت و ایدئولوژی و تسلط گفتمان مدیران بر گفتمان کارگری صورت می‌گیرد و تلاش می‌شود تا چگونگی غلبه گفتمان مدیران در رمان را تشریح کند.

۱-۲-۳. قدرت و ایدئولوژی در گفتمان مدیران/ قشر فرادست

امروزه مفهوم قدرت محدود به مناسبات و امور سیاسی نمی‌شود و معنای وسیع‌تری به خود گرفته است. این مفهوم موسع از قدرت در تمام مناسبات انسانی، از جمله حوزه زبان و فرهنگ نمود می‌یابد (نژاد ایران ۱۳۹۴: ۹۱). در مناقشه‌های سیاسی، گفتمانی غالب می‌شود که ابزارهای قدرت بیشتری را در اختیار داشته باشد. گفتمان‌ها برای تثبیت معنا، به قدرتی که از آن‌ها حمایت می‌کند، وابسته هستند. قدرت ورای یک گفتمان با استفاده از برجسته‌سازی، به نشانه‌ها معنای مورد نظر خود را می‌بخشد و همان معنا را در اجتماع هژمونیک می‌کند. درمقابل، معنای مدنظر گفتمان رقیب را به حاشیه می‌راند (عبادی و دیگران ۱۴۰۱: ۱۳۹)؛ به عبارت دیگر، قدرت است که گفتمان را تولید و تداوم آن را تضمین می‌کند.

گفتمان مدیران با برجسته سازی اقدامات و فعالیت های اجتماعی شرکت، در پی تضعیف گفتمان کارگران و موجه سازی چهره شرکت است. یکی از مؤثرترین شیوه های تثبیت گفتمان، استفاده از ایدئولوژی در جهت اقناع اذهان جامعه برای پذیرش گفتمان است. گفتمان مدیران با تقدس بخشی به کار و کارگر، استثمار و بهره کشی از کارگران را به حاشیه می برد و معنای این رفتارها در گفتمان کارگري را کمرنگ می کند. با این ترفند کارگران دیگر احساس نخواهند کرد که به استثمار گرفته شده اند و درمقابل با رضایت خود، از کارفرمایان اطاعت خواهند کرد.

سرمایه داران، صاحبان ثروت و ابزار تولید محسوب می شوند و از این رو، دولت ها در مواجهه با آن ها رویکردی سهل گیرانه دارند. جرم شناسان انتقادی با تأکید بر تمرکز قدرت و ثروت در یک طبقه، نسبت به لابی و اعمال نفوذ سرمایه داران در فرایند قانون گذاری انتقاد می کنند. قدرت سرمایه داری موجب می شود آسیب های کلان شرکتي نادیده گرفته شود و دولت ها از ورود به این حوزه چشم پوشی کنند (صادق نژاد نائینی: ۲۰۹).

۲-۲-۳. تسلط گفتمان مدیران بر گفتمان کارگران

جدول ۳. گفتمان مدیران/ قشر فرادست

پاره گفتار	دال گفتمانی	تحلیل
اگر صدای اعتراض و اعتصاب این یک لایقها را خفه نکنی، عین موش آب کشیده، اول دم خودت را می گیریم و می اندازیم بیرون، بعدش هم به حساب تکه تک سرده ها و محرک های کارگرا می رسیم... کار بیخ بکن، بعد از این سروکارت با سازمان امنیت است. حالا خود دانی آقای شیربانی!	اعمال قدرت بر کارگران	در نظام سرمایه داری که ابزار و وسایل تولید در دست سرمایه داران است و کارگران تنها منبع درآمدشان، شرکت های تولیدی است، قدرت در دست سرمایه داران است. گروه ثروت با سوء استفاده از قدرت، کارگران را ملزم به تبعیت از خود می کند. جرم شناسان انتقادی گروه های ضعیف جامعه را قربانی نظام طبقاتی و تبعیض ساختاری می دانند.
سیامک خان... برای آینده کارگرا خط و نشان می کشد. همه سرده ها را شناسایی کرده است. تصمیم دارد به محض بازگشت شاه و بازگشتن آرامش به کارخانه، کارگراهای محرک اعتصاب و ضد رژیم را به ساواک معرفی بکند. هر طرف که می نگر، بر تنفرش از کارگرا افزوده می شود. به هر چیزی که رنگ و بوی کارگري دارد، لگد می پراند!	اعمال قدرت بر کارگران	اعمال قدرت بر کارگران از روش های مختلفی ممکن است محقق شود. تهدید به اخراج، برخورد های فیزیکی، فشار های روانی، تحمیل شرایط کاری سخت و سرکوب اعتراض کارگران، از جمله روش های موجود در رمان است که مدیران شرکت با استفاده از ابزار قدرت، گفتمان کارگري را خاموش می کنند.
به وقتش خودم حسام را باهاشون تسویه می کنم. نه به قدیمی ها رحم می کنم، نه به کارگراهای موقت هشتاد و نه روزه. اگر عرضه داشتند بروند حق و حقوقشان را از وزارت کار بگیرند.	اعمال قدرت بر کارگران	مدیران شرکت به کارگران به عنوان ابزار تولید می نگرند. در این گفتمان، کارگر فی نفسه دارای ارزش نیست و از این رو، حقوق انسانی او نادیده گرفته می شود. کارگران در محیط کار، یک گروه آسیب پذیر در مقابل قدرت سرمایه داران هستند.

فقط تا روز چهارشنبه فرصت دارید بازخريد بشويد؛ با سالی چهل و پنج روز مزایا؛ آن‌هم تنها برای انصار؛ مهاجرین، سی و پنج روز. نخواهند برونند از هرجا مأمور شده‌اند حق و حقوق خودشان را بگیرند.	اعمال قدرت بر کارگران	گفتمان مدیران حقوق اولیه کارگران را نقض می‌کند و درمقابل واهمه‌ای از برخورد قانونی با تخلفات و جرایم خود ندارد. جرم‌شناسان منتقد، نظام عدالت‌کیفری و سیستم جرم‌انگاری را ابزاری در اختیار گروه‌های قدرت و ثروت می‌دانند.
(مدیرعامل) ادامه می‌دهد: ایشان حق دارد عذر کارگرها را، از نفر اول تا نفر آخر، اگر صلاح بدانند، اگر لازم باشد، بخواهد. البته درعین حال، حق و حقوق کارگرها هم محفوظ خواهد بود.	اعمال قدرت بر کارگران	در گفتمان مدیران معنای حقوق کارگر، یک معنای ساختگی و غیرواقعی است. درواقع، کارگر حقی ندارد که ضایع شود.
(مدیرعامل) ادامه می‌دهد: شما اگر دقت کنید، اگر عقیده داشته باشید، شغل شریف شما، اصلاً عین شغل خود خداست. چه معنوی‌اش و چه مادی‌اش.	تقدس‌بخشی به کار و تولید	استفاده از ایدئولوژی در کنار قدرت، در طول تاریخ یکی از راه‌های کنترل جامعه بشری محسوب می‌شود. مدیران شرکت نیز با تقدس‌بخشی به کار، زمینه را برای بهره‌کشی از کارگران آماده می‌کنند.
(مدیرعامل) می‌گوید:... وقتی شما پشت دستگاه تولید نشسته‌اید، انگار پشت مسلسل خمسه‌خمسه و تیربار کاتیوشا، رودرو با صدام یزید تازی کافر، مشغول جنگ و کارزارید! از این رو اینجا و جبهه، تفاوت چندانی با هم ندارند. در ظاهر چرا؛ اما در باطن و از نظر نفس عمل، به عقیده من مدیرعامل هرگز!	تقدس‌بخشی به کار و تولید	تولید در گفتمان مدیران از تمام هنجارهای اخلاقی ارزشمندتر به حساب می‌آید. این گفتمان با برجسته‌سازی تولید و هم‌سنگ‌کردن آن با مبارزه در جبهه‌های جنگ، موجب می‌شود کارگران برای کار خود قداست قائل شوند و در مقابل استثمار و کار بیشتر، معترض نباشند.
(مدیرعامل) ادامه می‌دهد:... شما عزیزان کارگر هم در این سنگر، یعنی سنگر کار و تلاش و تولید، با یک حقوق بخورونمیر، بدون مزایا و اضافه‌کاری و امکانات رفاهی و چه و چه و هزاران چه دیگر؛ تنها با چاشنی صبر و تحمل و مقاومت و مردانگی به رزمندگانمان در جبهه‌ها روحیه می‌دهید... این هم خودش یک نوع جهاد می‌شود؛ آن‌هم جهاد اکبر.	تقدس‌بخشی به کار و تولید	کارگران در مقابل پرداخت با تأخیر حقوق، حذف امکانات رفاهی و... معترض هستند و درمقابل، مدیران شرکت در پاسخ به مطالبات کارگری، با برانگیختن احساسات کارگران و تقدس‌بخشی به تولید، تمام رفتارهای خود را توجیه می‌کنند و از زیر بار تعهداتشان نسبت به کارگران فرار می‌کنند.
روی پارچه یازده‌متری که نوشته است: عرق کارگر، همچون خون شهید مقدس است. ما ریسندگان و بافندگان گرامی می‌داریم یازدهم اردیبهشت، اول ماه مه، روز جهانی کارگر را.	تقدس‌بخشی به کار و تولید	قداست‌بخشی به کار و تولید موجب می‌شود کارگران خود را با محصول تولیدشده خود بشناسند و به‌نحوی از خود بیگانه می‌شوند. کارگران در گفتمان مدیران به‌عنوان یک شیء شناخته می‌شوند و همین نوع نگاه به‌تدریج در بین کارگران هم نفوذ پیدا می‌کند.
(مدیرعامل) می‌گوید: بله همکاران گران‌قدر، تک‌به‌تک شما عزیزان و بدون تعارف، خوب، باید قدر و منزلت والای خودتان را بدانید. این شغل شریف من و شما، از قدیمی‌ترین شغل‌های بشری است.	تقدس‌بخشی به کار و تولید	مدیران شرکت در سخنرانی‌های کارگری، خود را در کنار کارگران و از خود کارگران می‌دانند. در عمل اما، کارگران قربانی تصمیمات مدیران شرکت می‌شوند.

قانون در تمام تاریخ، هیچ‌گاه مستقل و بی‌طرف نبوده است. قانون به‌عنوان یک نهاد ایدئولوژیک، از عوامل اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و در مسیر تبعیت از جریان خاصی حرکت می‌کند. از این جهت، حقوق بازتاب ایدئولوژی و جهان‌بینی صاحبان

قدرت است که از آن برای سرکوب و به تبعیت درآوردن گروه‌های فرودست استفاده می‌شود (جعفری ۱۳۹۲: ۸۰). جرم‌شناسان انتقادی، قوانین کیفری را انعکاس زبان مسلط گروه حاکم می‌دانند. درواقع قوانین به گروه حاکم این اجازه را می‌دهند تا به شکل رسمی سلطه خود را ادامه دهد. جرم‌شناسان انتقادی همچنین، از تعریف سستی جرم انتقاد می‌کنند و معتقدند که حکومت همان‌طور که با جرایم علیه حاکمیت و جرایم سیاسی برخورد می‌کند، باید با جرایم علیه حقوق شهروندی، جرایم علیه ملت و جرایم علیه کرامت انسانی برخورد کند. همچنین، نظام عدالت کیفری باید توجه خود را به سمت آسیب‌های اجتماعی و پدیده‌هایی مانند استعمار و استثمار و آلودگی‌های زیست‌محیطی معطوف کند (رحیمی‌نژاد ۱۴۰۲: ۱۶۹).

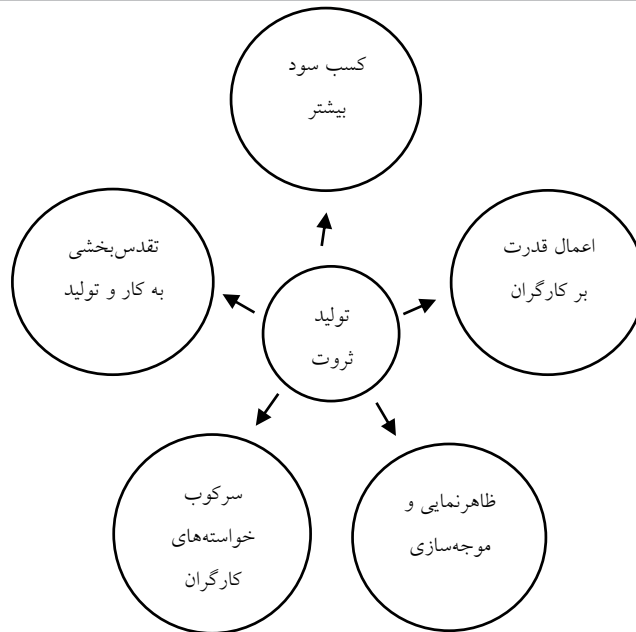
بخش بزرگی از آسیب‌های اجتماعی توسط شرکت‌ها و دولت‌ها به وجود می‌آید. اما نظام عدالت کیفری از این دست آسیب‌ها چشم‌پوشی می‌کند. بسیاری از اعمال آسیب‌زای طبقه فرادست به عنوان جرم تعریف نمی‌شوند و در حیطه رفتارهای مباح قرار می‌گیرند؛ ازجمله این آسیب‌ها می‌توان به رفتارهای خشن و مخرب شرکت‌ها علیه کارگران اشاره کرد. حوادثی که در اثر عدم ایمنی محیط کار، منجر به ورود آسیب جسمی به کارگران می‌شود، به عنوان یک حادثه و اتفاق توسط شرکت‌ها بازنمایی می‌شود و از آنجا که حادثه در محیط کار طبیعی تلقی می‌شود، شرکت‌ها از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند.

در گفتمان مدیران، کارگر تنها یک ابزار محسوب می‌شود؛ بنابراین می‌توان هرگونه رفتاری را بر وی روا داشت. در این گفتمان کارگران به ظاهر از ارزش و احترام بسزایی برخوردار هستند؛ اما درواقع، مورد ظلم و استثمار قرار می‌گیرند. گفتمان مدیران درقبال جرایم شرکتی، هیچ‌گونه احساس مسئولیتی نمی‌کند و این رفتارها را مشروع می‌پندارد. این گفتمان به پشتوانه قدرتی که از آن حمایت می‌کند، تلاش می‌کند تا بر گفتمان کارگری هژمونیک شود و این گفتمان را کنار بزند. گفتمان مدیران، امنیت شغلی کارگران به معنای یک حق را به حاشیه می‌راند و با برجسته‌سازی گفتمان خود، امنیت شغلی را به عنوان یک امر وابسته به نظر شرکت تعریف می‌کند. همچنین، گفتمان مدیران، استثمار کارگران را به عنوان یک امر طبیعی و مباح معنا می‌کند و گفتمان کارگران را که سعی دارند در برابر این معنا مقاومت کنند، کمرنگ می‌کند. کارگران به دلیل وابستگی مالی که به شرکت‌ها دارند، مجبور به پذیرش و تبعیت از گفتمان مدیران می‌شوند و در نتیجه، گفتمان مدیران بر گفتمان کارگری هژمونی می‌یابد.

جدول ۴. گفتمان مدیران/ قشر فرادست

پاره‌گفتار	دال گفتمانی	تحلیل
مدیر عامل در ادامه می‌گوید: من عمداً اصرار داشتم ایشان با ماشین پاترول دو در کارخانه بروند جبهه. البته گفتم قبل از حرکت، روی درهای پاترول، آرم کارخانه ریسندگی و بافندگی پارس را بچسبانند؛ با این نیت که در مناطق جنگی، مرزنشین‌ها و رزمندگان قهرمان و عزیز ما، با دیدن علامت شرکت پارچه‌بافی، متوجه بشوند ما هم از این راه دور، از پشت این سنگر تولید، از پشت جبهه اقتصاد، همیشه و در همه حال به یاد برادران رزمنده خود هستیم.	ظاهرنامایی و موجه‌سازی	مدیران شرکت درصدد آن هستند تا ظاهر و نمود بیرونی شرکت را مطلوب جلوه دهند؛ اما به مطالبات کارگران چندان اهمیتی نمی‌دهند. گفتمان مدیران که مبتنی بر کسب سود از هر طریق ممکن است، با موجه جلوه‌دادن تصویر خود، سعی در پنهان کردن نقاط منفی و برجسته‌سازی نقاط مثبت ظاهری دارد.
شهbaz (مدیرعامل شرکت)... می‌گوید: ما هم سنگ تمام گذاشتیم. برای حمایت از حرکت آن‌ها، گفتیم از طرف کارگرهای کارخانه بافندگی پارس هم، یک پلاکارد دراز سیزده‌متری، به یاد روز سیزده آبان نوشتند. شاهد هستید که فرستادیم و گفتیم برپید به دیوار لانه جاسوسی نصب بکنند. جوری که در دیدرس همه مردم دنیا باشد.	ظاهرنامایی و موجه‌سازی	ممکن است شرکت‌های تجاری برای سرپوش گذاشتن بر ماهیت واقعی اعمال و رفتارشان، در جهت فریب افکار عمومی و همچنین کارکنان خود، به فعالیت‌های ساختگی در حوزه اجتماعی اقدام کنند. به دنبال این گونه فعالیت‌های تبلیغی، از خود چهره‌ای موجه و قابل اعتماد در سطح جامعه می‌سازند. از این‌رو، کمتر به جرایم و تخلفات این شرکت‌ها توجه خواهد شد.
همین مهندس فولاد محبت، رئیس هیئت‌مدیره محترم شرکت ریسندگی و بافندگی پارس، برای روحیه‌دادن به رزمندگان، راهی جبهه‌های حق علیه باطل شده‌اند.	ظاهرنامایی و موجه‌سازی	مدیران شرکت به‌منظور تبعیت‌پذیری کارگران و کسب مزایای بیشتر، چهره اخلاق‌مدار و انقلابی از خود می‌سازند؛ اما درواقعیت و در پس این چهره، افرادی منفعت‌طلب و سودجو هستند.
هیئت‌مدیره شرکت ریسندگی و بافندگی پارس، دچار تغییر و تحول اساسی می‌شود. حالا دیگر مهندس‌ها کارکشته شده‌اند. از کسی ابایی ندارند. می‌دانند اگر خوددار باشند، می‌توانند با هزار عیب و ایراد مالی و اخلاقی هم که داشته باشند، خودشان را انقلابی جا بزنند.	ظاهرنامایی و موجه‌سازی	در گفتمان مدیران، حفظ ظاهر توسط مدیران شرکت یکی از مؤلفه‌های اصلی رفتار سازمانی است. با داشتن یک چهره موجه، ارتکاب جرم، دور از ذهن به نظر می‌رسد. مدیران شرکت‌ها در پشت درهای بسته خود مرتکب جرایم بسیاری علیه کارگران می‌شوند؛ اما ظاهر موجه آن‌ها باعث می‌شود به‌عنوان مجرم در افکار عمومی شناسایی نشوند.
(مدیرعامل) بوسه‌های خیالی را پرت می‌کند رو به کارگرها و می‌گوید: به نمایندگی از کف پینه‌بسته دست‌های شما برادران و خواهران. تنها کاری که در این شرایط ویژه و استثنائی از دست من مدیر عامل برمی‌آید. هدیه همین دوتا بوسه ناقابلی که در توان ماست. آنچه فعلاً برمی‌آید، تقدیم به محضر مبارک شما همکاران گرامی است. بوسه‌ای شبیه به بوسه‌ای که هزار و چهارصد سال پیش، پیامبر خاتم ما، بر دست کارگرهای تلاشگر آن دوره به نمایندگی از پارچه‌بافان امروزی زده بود!	سرکوب خواسته‌های کارگران	گفتمان مدیران برای سرکوب کارگران همیشه از ابزار زور و قدرت استفاده نمی‌کند. مدیران شرکت‌ها با فریب و اقدامات عوام‌گرایانه، گفتمان کارگری را به حاشیه می‌برند و گفتمان خود را برجسته می‌کنند. مدیران شرکت برای جلب رضایت کارگران، آن‌ها را تحت تأثیر گفته‌های خود قرار می‌دهند.
مهندس شهbaz احساساتی‌تر می‌شود. مشت دست راستش را در هوا می‌پراند. با صدای بلند می‌گوید: مرگ بر آمریکا... مرگ بر شوروی...	سرکوب خواسته‌های کارگران	در جلسه‌ای که بین مدیرین، انجمن‌های کارگری و کارگران کارخانه برای بیان مشکلات کارگران تشکیل شده است، مدیرعامل شرکت با بهره‌گیری از احساسات و ایدئولوژی، گفتمان کارگری را کم‌رنگ می‌کند و با سردادن شعار، مخالفان و معترضان را حامیان طاغوت نشان می‌دهد.

(مدیرعامل) می گوید: اما برای مسئله غذا... باید تجدیدنظر اساسی بشود. این منو، دیگر در توان شرکت کمرشکسته پارچه بافی پارس، به خصوص با این حال نزارش - یا بهتر است بگوییم کفن بافی پارس - نیست... مدیریت فرصت کافی هم برای رسیدگی به این قبیل امور جزئی و دست و پاگیر و جواب گویی به هر کمونیست نسناس و سلطنت طلب شاه پرست و بعضی کارگر نمایانهای شکم باره و کوتاه بین را ندارد.	سرکوب خواسته های کارگران	در گفتمان مدیران، امکانات رفاهی و دیگر مزایای کارگران یک هزینه جانبی سنگین برای شرکت به شمار می آید. کارگران مطالبه گر، شکم باره و کوتاه بین معرفی می شوند و خواسته های آنها زیاده خواهی محسوب می شود.
این وظیفه شورای اسلامی کار است تا با منطق و خیلی دوستانه موقعیت رو به وخامت شرکت را برای کارکنان کم اطلاع و یا پرتوقع توجیه بکند... تنهایی انقلاب و اسلام و ایران را در این دنیای پر از کینه و کفر و نفاق برملا کنند؛ شاید ذره ای در دل این برادران غافل و از مرحله پرت شده، اثر گذار باشد.	سرکوب خواسته های کارگران	در تمام مواردی که صحبت از مطالبات کارگران به میان می آید، گفتمان مدیران به مطالبه گران انگ شکم باره، کوتاه بین، غافل و... می زند. به این ترتیب خواسته های آنها را سرکوب و حقوق آنها را تضییع می کند. این رفتارها درواقع جرایمی است که شرکت های تجاری در محیط کار، علیه کارکنان خود مرتکب می شوند.
می بینید برادران کارگر! عظمت انقلاب خودتان را درمی یابید؟... پس ای برادران بهوش باشید! اسراف نکنید. درصد ضایعات را کم کنید. برای مقابله با خیانت های داخلی و خباثت های بیرونی هوشیار باشید.	کاهش هزینه و کسب سود بیشتر	گفتمان مدیران برای رسیدن به اهداف خود، ارزش های مورد وفاق جامعه را با خواسته های خود تلفیق می کند و به گونه ای به کارگران القا می کند که گویی رسیدن به آرمان شرکت، رسیدن به خواست جمعی جامعه است.
برادران، به شما هشدار می دهم: در این کارخانه درصد ضایعات بالاست. حالا چه موادی که قبل از تولید نغله می شود، یا ضایعات پس از تولید... پس عزیزان من، ایرانی باشید. آریایی فکر کنید. از مکتب مولا علی درس بگیرید.	کاهش هزینه و کسب سود بیشتر	مدیران شرکت سعی دارند خود را با کارگران دارای همبستگی نشان دهند و بگویند همه ما یک هدف داریم و آن هم تولید است؛ اما سود این تولید تنها به جیب سرمایه داران می رود و کارگران نه تنها چیزی عایدشان نمی شود؛ بلکه به استثمار گرفته می شوند.
از امروز... هرکس جوچه کباب و چلوکباب برگ و سلطانی می خواهد، می بایست روزی ده ساعت ماشین وار و بدون کم و کاست، کار بکند.	کاهش هزینه و کسب سود بیشتر	در گفتمان مدیران، کارگرانی که خواهان حق و حقوق کارگری هستند، افرادی زیاده خواه هستند. در این گفتمان، مطالبه حقوق کارگری زیاده خواهی معنا می شود.
برنامه ریزی می کنیم. شاید هم تولید را عوض کنیم. پول خوب بدهند، بعید نیست شرکت را و کل مایملک را فروختیم و زدییم رفتیم کانادا.	کسب سود بیشتر	هدف نهایی سرمایه داران و شرکت های تجاری کسب سود است. شرکت هایی که سیاست کسب سود از هر روشی را در پیش می گیرند، ممکن است به سمت ارتکاب جرایم شرکته حرکت کنند و یا حقوق کارگران را نادیده بگیرند.
(مدیرعامل) می گوید: نیت اصلی ما این بوده و البته هنوز هم همین هست که هرچه بیشتر هزینه جانبی شرکت کمتر بشود؛ هرچند به چشم هم نیاید؛ اما هرکس به بهانه ای می آید و می خواهد هزینه اضافی بگذارد روی دست خالی شرکت.	کاهش هزینه و کسب سود بیشتر	منظور از هزینه های جانبی، هزینه هایی است که درخواست های کارگران برای شرکت ایجاد می کند، نه هزینه های جانبی مدیران شرکت. شرکت های تجاری درمقابل درخواست های کارگران با مشکلات اقتصادی روبه رو هستند و کارگران برای کمک به ادامه حیات شرکت، باید از خواسته هایشان بگذرند.



شکل ۲. مفصل‌بندی «تولید ثروت» به‌عنوان دال مرکزی گفتمان مدیران/ قشر فرادست

نتیجه

در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در حیطه علوم انسانی، ادبیات نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند. ماهیت چندوجهی و چندبعدی ادبیات، زمینه‌ای مناسب را برای مطالعات میان‌حوزه‌ای فراهم می‌آورد. جرم‌شناسی ادبی به‌عنوان شاخه‌ای میان‌رشته‌ای به مطالعه مباحث جرم‌شناسی در آثار ادبی می‌پردازد. در این مقاله، آموزه‌های جرم‌شناسی انتقادی در رمان *زنی با کفش‌های مردانه* به‌عنوان یکی از آثار حوزه ادبیات کارگری، تحلیل شد. ادبیات کارگری و جرم‌شناسی انتقادی، نابرابری‌های اجتماعی، تضاد طبقاتی و تبعیض‌های ساختاری را به‌عنوان پیامدهای نظام سرمایه‌داری مورد نقد قرار می‌دهند. در این دو حوزه، کارگران درواقع، بزه‌دیدگان خاموش جامعه به‌شمار می‌آیند. ادبیات کارگری با تصویرسازی از زندگی سخت کارگران، استعمار کارگر و خشونت‌های کاری، پیوندی نزدیک با جرم‌شناسی انتقادی برقرار می‌کند. این دو حوزه، قوانین کارگری، حمایت‌های دولتی و نظام سرمایه‌داری را مورد انتقاد قرار می‌دهند و آن‌ها را عامل کلیدی در ایجاد نابرابری و بی‌عدالتی می‌دانند. جرم‌شناسان انتقادی معتقدند که قوانین نظام سرمایه‌داری به‌گونه‌ای تصویب می‌شوند که منافع طبقه فرادست را حفظ کنند و کارگران را در استعمار نگه دارند؛ به‌عنوان مثال، اعتراضات کارگری با برخوردهای کيفری مواجه می‌شود. این رویکرد در ادبیات کارگری نیز به چشم می‌خورد.

تعامل ادبیات کارگری و جرم‌شناسی انتقادی موجب پرده‌برداشتن از جرایم قدرتمندان در فضای بسته و بدون نظارت شرکت‌های تجاری می‌شود. ادبیات کارگری با قدرت زبان، زندگی کارگران و مبارزات آن‌ها را در مقابل ساختارهای قدرت سرمایه‌داری به تصویر می‌کشد و جرم‌شناسی انتقادی، با تحلیل نظری، نقش نظام سرمایه‌داری در تولید جرم و نابرابری را برجسته می‌کند. پیوند این دو حوزه با برخورداری از هدفی مشترک، می‌تواند درکی بهتر از نابرابری، بزه و ریشه‌های بزهکاری ارائه دهد.

جرایم شرکتی به لحاظ فراوانی بزه‌دیدگان و عواقب اقتصادی زیان‌بار، انبوهی از آسیب‌های اجتماعی را به دنبال دارد؛ اما چندان‌که باید، به این دسته از جرایم در نظام عدالت کیفری توجه نشده است. بزهکاران این جرایم عمدتاً از گروه‌های اجتماعی قدرتمند جامعه به شمار می‌آیند و این امر می‌تواند منجر به تأثیرگذاری آن‌ها در مسیر جرم‌انگاری شود و در نهایت موجب می‌شود رفتارهای آسیب‌زای این گروه، آماج جرم‌انگاری قرار نگیرد. جرم‌شناسان انتقادی با انتقاد از برخورد مهربانانه نظام عدالت کیفری با طبقه فرادست و عدم جرم‌انگاری رفتارهای زیان‌بار آن‌ها، جرم را یک پدیده برساخته می‌دانند. درحقیقت از نظر جرم‌شناسان منتقد، فرایند جرم‌انگاری در پی تضمین منافع گروه‌های ثروت و قدرت است.

جرایم شرکتی علیه کارکنان، ازجمله جرایمی است که کمتر مورد توجه حقوق‌دانان و جرم‌شناسان قرار گرفته است. شرکت‌های تجاری به ظاهر تابع قوانین و مقررات هستند و به هنجارهای اجتماعی احترام می‌گذارند؛ اما درواقع، پشت این نقاب ظاهری ممکن است مرتکب جرایم متعددی شوند. کارکنان و کارگران شرکت که در مواجهه مستقیم با شرکت قرار دارند و یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر در برابر جرایم شرکتی هستند، به دلیل ترس از اخراج، به ناچار با شرایط نامناسب محیط کار، خشونت مدیران و بهره‌کشی از آن‌ها، کنار می‌آیند و بزه‌دیده جرایم شرکت‌های تجاری واقع می‌شوند. جرم‌شناسان انتقادی با بازاندیشی و بازخوانی تحقیقات ساترلند در ارتباط با جرایم یقه‌سفیدان، جرایم شرکت‌های تجاری و پیامدهای گسترده آن را مورد توجه قرار داده‌اند. اندیشمندان انتقادی معتقدند جرایم شرکتی، واقعی هستند؛ اگرچه معمولاً جرم تلقی نمی‌شوند.

در این پژوهش با استفاده از نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و آموزه‌های جرم‌شناسی انتقادی در حوزه جرایم شرکتی، به‌ویژه جرایم شرکتی علیه کارگران، رمان *زنی با کفش‌های مردانه*، اثر محمدعلی گودینی مورد بازخوانی و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل نشان می‌دهد چگونه یک گفتمان با برخورداری از قدرت، گفتمان خود را در جامعه تثبیت می‌کند و گفتمان رقیب را به حاشیه می‌راند. گفتمان کارگری

در این رمان سعی در نشان‌دادن ضعف طبقه کارگر در مقابل سرمایه‌دار و تهدیدات موجود در محیط کارگری دارد. در این محیط، کارگر به دلیل ترس از دست‌دادن شغل، وادار به پذیرش استثمار و انواع خشونت می‌شود. این رمان، قوانین حوزه کارگری و ساختارهای اجتماعی را که در جهت حمایت از سرمایه‌داران شکل گرفته‌اند، به باد انتقاد گرفته و خواستار اصلاح رویه‌های تبعیض‌آمیز سرمایه‌داری است.

در بستر رقابت اقتصادی، شرکت‌های تجاری مرتکب جرایم متعددی می‌شوند که آسیب‌های اجتماعی کلانی به دنبال دارد؛ اما این جرایم در پهنه نظام عدالت کیفری جایی ندارند و به عنوان رفتارهای مباح تلقی می‌شوند. جرم‌شناسان انتقادی ضمن نقد نظام سرمایه‌داری و جرم‌انگاری، معتقد هستند که نظام عدالت کیفری رفتارهای طبقه فرودست جامعه را آماج جرم‌انگاری قرار می‌دهد و به جرایم یقه‌سفیدان و جرایم شرکتی که معمولاً توسط طبقه فرادست انجام می‌شوند، توجهی نمی‌کند.

جرایم قدرتمندان، عمدتاً اقشار و گروه‌های ضعیف و فرودست جامعه را هدف قرار می‌دهد. امروزه توجه بیشتری نسبت به این جرایم صورت گرفته و جرم‌شناسان انتقادی نیز با پژوهش در این حوزه، پرده از اهمیت این جرایم برداشته‌اند. یکی از راهکارهای مقابله با جرایم قدرتمندان، توسعه مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بزه‌کاران این جرایم در مقابل جامعه است. بدین‌سان، درمورد جرایم شرکتی که یکی از جلوه‌های جرایم قدرتمندان است، نظام عدالت کیفری به اصلاح و بازنگری به‌منظور پاسخگوکردن شرکت‌های تجاری در مقابل رفتارهای آسیب‌زای شرکتی، نیاز دارد.

امروزه خطرات جسمانی بسیاری در محیط‌های صنعتی جان کارگران را تهدید می‌کند. صدمات جسمانی متعددی در کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی به دلیل عدم وجود ایمنی در محیط کار، بر جسم کارگران وارد می‌شود. شرکت‌های تجاری نسبت به بهداشت و سلامت کارگران بی‌توجه هستند و حاضر به هزینه در این زمینه نمی‌شوند. همچنین، جرم‌انگاری در این حوزه به دلیل ناکارآمدی سیستم‌های نظارتی، بازدارندگی خود را از دست داده است. از این جهت، نیاز به یک راهکار همه‌جانبه و مؤثر برای مقابله با این جرایم احساس می‌شود. پیشگیری از جرایم شرکتی علیه کارگران، نیازمند اقدامات و تدابیر ترکیبی است؛ از این‌رو، اقداماتی برای پیشگیری در این حوزه پیشنهاد می‌شود. این اقدامات شامل تشدید مجازات این جرایم، بازرسی‌های مستمر، آموزش و آگاهی‌رسانی عمومی به کارگران، تقویت اتحادیه‌ها و تشکل‌های کارگری، پیمایش بزه‌دیدگی کارگران و استفاده از یک سیستم برخط برای ثبت شکایات کارگران است.

این مقاله از حمایت مالی هیچ نهاد یا مرکز آموزشی و یا طرح پژوهشی استفاده نکرده است.

منابع

- افشار، مرتضی؛ محسنی، فرید (۱۳۹۸). «خوانش جرم شناسانه آثار سعدی در حوزه کجروی کودک و نوجوان». پژوهش های بین رشته ای ادبی، ۱: ۲، صص. ۲۷-۱. doi: 10.30465/lir.2020.4625
- انوشیروانی، علی رضا (۱۴۰۲). «ادبیات تطبیقی در ایران: با بای پرانتز؟» مطالعات بین رشته ای ادبیات، هنر و علوم انسانی، ۳: ۲، صص. الف - ی. <https://doi.org/10.22077/islsh.1402.2832>
- بتون، تد؛ کرایب، یان (۱۳۸۴). فلسفه علوم اجتماعی: بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی. ترجمه شهناز مسمی پرست و محمود متحد، تهران: آگاه.
- بهرامی، ثمین؛ بلیغی، مرضیه (۱۴۰۰). «مطالعه تطبیقی مفهوم انقلاب در ژرمنال اثر امیل زولا و مادر نوشته ماکسیم گورکی». مطالعات بین رشته ای ادبیات، هنر و علوم انسانی، ۱: ۱، صص. ۱۱۳-۹۵. <https://doi.org/10.22077/islsh.2021.4202.1032>
- پینکوک، الستر (۱۳۷۸). «گفتمان های قیاس ناپذیر». ترجمه سیدعلی اصغر سلطانی، علوم سیاسی، ۱: ۴، صص. ۱۱۸-۱۵۷.
- جعفری، مجتبی (۱۳۹۲). جامعه شناسی حقوق کیفری، رویکرد انتقادی به حقوق کیفری. تهران: میزان.
- خویی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۵). «تحلیل طبقاتی با رویکرد نظریه گفتمان لاکلائو و موف: بررسی گفتمان های جمهوری اسلامی ایران در قبال طبقه متوسط مدرن شهری از ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲». مطالعات جامعه شناسی، ۲۳: ۱، صص. ۲۳۶-۲۱۵. <https://doi.org/10.22059/jsr.2016.58813>
- دانش ناری، حمیدرضا (۱۳۹۷). «تحلیل جرم شناسی جرایم شرکت های تجاری در پرتو نظریه های فرهنگ سازمانی». پایان نامه دکترا، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- دانش ناری، حمیدرضا؛ خسروی، پوریا؛ جمعه گی، فاطمه (۱۴۰۲). «ارزیابی مفهوم طبقه اجتماعی در جرم شناسی انتقادی: تحلیل محتوای کیفی فیلم پاتنفرم». پژوهش های جزا و جرم شناسی، ۱۱: ۲۱، صص. ۱۹۴-۱۶۵. <https://doi.org/10.22034/jclc.2022.337578.1680>
- دانش ناری، حمیدرضا؛ عباسی مرویان، فوزان (۱۴۰۲). «ارزیابی حالت خطرناک شرکت ها در پرتو مدل فرهنگ سازمانی شاین؛ مطالعه موردی: مؤسسه مالی اعتباری ثامن الحجج». تعالی حقوق، ۹: ۱، صص. ۳۶-۳. <https://doi.org/10.22034/thdad.2022.1972555.2292>
- رایجیان اصلی، مهرداد؛ دانش ناری، حمیدرضا (۱۴۰۲). در مقدمه کتاب جرم شناسی انتقادی معاصر. تهران: دادگستر.
- رحیمی نژاد، اسمعیل (۱۴۰۲). رویکردهای جدید در جرم شناسی انتقادی و سیاست جنایی. تهران: مجد.
- رستمی، هادی؛ جعفریان، سیدحسن (۱۳۹۷). «گفتمان سیاست جنایی و جرم شناسی در آخرین روز یک محکوم». پژوهش نامه حقوق کیفری، ۹: ۱، صص. ۱۶۰-۱۳۹. doi: 10.22124/jol.2018.5142.1205
- رضوی فرد، بهزاد؛ نظری، نجمه؛ مولایی گی، علی (۱۳۹۹). «تحلیل محتوای رمان همسایه ها در حوزه

- بزهکاری کودک در پرتو یافته‌های جرم‌شناسی. «آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۷: ۲۰، صص. ۱۷۸-۱۴۹. doi: 10.30513/cld.2021.1487.1243
- سلطانی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۸۷). «تحلیل گفتمانی در فیلم‌های سیاسی - اجتماعی: نگاهی به پارتی سامان مقدم». *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۳: ۹، صص. ۱۶-۱.
- سلطانی، سیدعلی‌اصغر (۱۴۰۰). *قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)*. چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
- سلیمی، علی (۱۳۸۶). «مجرمین یقه‌سفید و سیاست کیفری ایران». *مطالعات حقوق خصوصی*، ۳۸: ۴، صص. ۲۵۴-۲۳۹. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25885618.1387.38.4.12.5>
- سیمپسون، سالی اس. (۱۳۹۵). *جرایم شرکتی، قانون و کنترل اجتماعی*. ترجمه حمیدرضا دانش ناری، تهران: میزان.
- سیمپسون، سالی اس.؛ ویزر، دیوید (۱۳۹۵). *جرم‌شناسی جرایم یقه‌سفیدان*. ترجمه حمیدرضا دانش ناری و آزاده صادقی، چاپ دوم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- شکراللهی، سمانه؛ پرستش، رضا (۱۳۹۰). «امنیت شغلی کارگران و جایگاه آن در حقوق ایران». *پژوهشنامه حقوقی*، ۲: ۱، صص. ۹۱-۷۵.
- صادق‌نژاد نائینی، مجید (۱۳۹۶). «تحلیل جرایم شرکتی در پرتو نظام‌های اقتصادی». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۱: ۹۹، صص. ۲۲۷-۲۰۱. <https://doi.org/10.22106/ldj.2017.29233>
- صفایی سنگسری، علی؛ احمدپناه، فاتح (۱۳۹۸). «تحلیل گفتمان روایی در کلیله و دمنه عربی (مطالعه موردی باب «الناسک والضعیف»». *زبان و ادبیات عربی*، ۱۱: ۱، صص. ۱۲۰-۸. <https://doi.org/10.22067/jall.v11i2.52572>
- عبادی، آزاده و دیگران (۱۴۰۱). «واکاوی گفتمان هویت ملی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی متوسطه اول از منظر لاکلائو و موف». *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۳: ۳، صص. ۱۵۲-۱۲۵. <https://doi.org/10.22108/jas.2022.130576.2176>
- فارسیان، محمدرضا؛ عزیزاده، الهام (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی ادبیات کارگری از خلال رمان *زرمینال* اثر زولا و *سال‌های ابری* اثر درویشیان». *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، ۷: ۴، صص. ۱۳۸-۱۱۲.
- قیانچی، حسام؛ دانش ناری، حمیدرضا؛ موسوی، ناهید (۱۳۹۳). «جرائم مالی شرکتی از گونه‌شناسی تا علت‌شناختی». *دانشنامه حقوق اقتصادی*، ۲۱: ۶، صص. ۱۷۲-۱۴۲. <https://doi.org/10.22067/le.v21i6.26831>
- قورچی‌بیگی، مجید (۱۳۹۴). *جرم‌شناسی جرایم یقه‌سفیدها*. تهران: دادگستر.
- کسرابی، محمدسالار؛ پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸). «نظریه گفتمان لاکلا و موفه: ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی». *سیاست*، ۳۹: ۳، صص. ۳۶۰-۳۳۹.
- گسن، رمون (۱۳۹۲). *جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی نظریه عمومی تزویر*. ترجمه شهرام ابراهیمی، چاپ دوم، تهران: میزان و بهار.
- مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۷۸). *روش و نظریه در علوم سیاسی*. ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- محمدی، فردین (۱۳۹۴). «تربیت نسل جدید: دال شناور جدال گفتمانی در ایران (تحلیل گفتمان سریال ستایش با رویکرد لاکلائو و موفه)». راهبرد اجتماعی-فرهنگی، ۵: ۱۸، صص. ۱۷۲-۱۴۵.
- مظفری، محمد (۱۳۹۸). «بررسی حقوقی حمایت از زنان کارگر در مقابل خشونت در محیط کار». پژوهش‌نامه زنان، ۱۰: ۲۹، صص. ۹۹-۱۲۲. <https://doi.org/10.30465/ws.2019.4470>
- مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰). «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن». معرفت فرهنگی/اجتماعی، ۲: ۲، صص. ۹۱-۱۲۴.
- میرمجیدی، سپیده و دیگران (۱۳۹۵). «تحلیل برساخت‌گرایانه‌ی فرایند جرم‌انگاری در ایران براساس نظریه واقعیت اجتماعی جرم». پژوهش حقوق کیفری، ۴: ۱۴، صص. ۱۷۲-۱۴۵. <https://doi.org/10.22054/jclr.2016.3957>
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۱). «دیباچه بر جرایم یقه‌سفیدی: رویکرد فرصت‌مدار». بنسئون، مایکل ال.؛ سیمپسون، سالی اس. ترجمه اسمعیل رحیمی‌نژاد، تهران: میزان.
- نژاد ایران، محمد (۱۳۹۴). «بررسی مفهوم قدرت و امر سیاسی در نظریه‌های گفتمان». بحران پژوهی جهان اسلام، ۲: ۲، صص. ۹۱-۱۱۴. <https://doi.org/10.2783.4999/QJPR.2002.1103.034>
- واحد، فرزانه و دیگران (۱۳۹۹). «حقوق کیفری ایران در سنجه آموزه‌های جرم‌شناسی فمینیسم پست‌مدرن». تحقیقات حقوقی، ۲۳: ۹۲، صص. ۳۵۶-۳۲۷. jlr.2021.184307.1463/10.22034
- یورگنسن، ماریان؛ فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

References:

- Braithwaite, John (1984). *Corporate Crime in the Pharmaceutical Industry*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Jorgensen, M & Phillips, L. (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*, London: Sage Publications.
- Laclau, E. and Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Discourse Politics*, London: Verso.
- Laclau, E (1993). *Power and Representation*. In M. Poster. *Politics, Theory and Contemporary Culture*. New York: Columbia University Press.
- Michalowski, R. J. (1985). *Oder, Law and Crime*. New York: Random House.
- Odinye, Ifeoma Ezinne (2018). "Discrimination and Class Oppression: An Example of Ifeoma Okoye's The Fourth World." *African Journals Online* 19, pp. 168-184. <https://doi.org/10.4314/ujah.v19i1.9>
- Ooijens, Machteld (2017). «Violence @ Work (A Guide For SMEs to Prevent Violence In the Workplace)». *Netherlands Enterprise Agency and CNV*.
- Sutherland, E.H. (1949). *White Collar Crime*, New York: Holt, Rinehart & Winston.

Wilson, Jeffrey R. (2021). "Criminology and Literature." *ACJS Today*, https://wilson.fas.harvard.edu/files/jeffreyywilson/files/jeffrey_r._wilson_22criminology_and_literature22_2021.pdf.

Corporate Crime in the Mirror of Labor Literature: A Discourse Analysis of the Novel *A Woman in Men's Shoes*

Hamidreza Daneshnari¹, Abolfazl sherafati²

Abstract

Labor literature describes, explores, and reflects the difficult problems and conditions of workers' lives. Labor narratives voice the demand for justice and resistance against exploitation by workers, those who become victims of the capitalist system. Labor literature and critical criminology are closely related to the criticism of the capitalist system and focus on workers as vulnerable groups in society. The *Woman in Men's Shoes* is considered one of the significant works of labor literature in Iran, highlighting the challenges faced by workers in the workplace. This study, using Laclau and Mouffe's discourse analysis method, aims to provide a deeper reading of labor narratives and, by focusing on corporate crimes against workers, depicts social inequalities. Furthermore, by examining the discourses of "workers/lower class" and "managers/upper class," it analyzes the hegemony of managerial discourse and evaluates the key factors involved in the disregard of workers' human rights. The findings of this research indicate that commercial companies may resort to any means to gain profit. In such an environment, workers are exploited and subjected to corporate violence, and their human rights are violated. The novel *The Woman in Men's Shoes* shows how corporate crimes and the harmful behavior of capitalists are ignored, and workers become victims of structural inequalities.

Keywords: Corporate crime, literary criminology, organizational culture, novel *A Woman in Men's Shoes*, crimes of the powerful

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran daneshnari@um.ac.ir

2. M.A. Student in Criminal Law and Criminology, Department of Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran abolfazl.sherafati@mail.ac.ir

How to cite this article:

Hamidreza Daneshnari, Abolfazl sherafati. "Corporate Crime in the Mirror of Labor Literature: A Discourse Analysis of the Novel *A Woman in Men's Shoes*". *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts and Humanities*, 5, 2, 2025, 141-174. doi: 10.22077/islsh.2025.8581.1563



Copyright: © 2025 by the authors. Licensee Journal of *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts & Humanities*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

